

# نوج



## در این شماره می‌خوانید:

- فرهنگ جشن‌ها و بازی‌ها در غرب مازندران
- یادگست ظهر جمعه
- سازده کوچولوی شرقی
- اقدام پژوهی
- تابستان را چگونه گذرانده اید؟ برنامه ریزی تا اجرا
- شعر
- جشن چله و ضرورت بهره‌گیری از این فرهنگ ملی در فرهنگسازی و جذب نوجوانان
- تحلیل هنری





### رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای

ما باید جوانان را به کتابخوانی عادت دهیم، کودکان را به کتابخوانی عادت دهیم؛ که این تا آخر عمر همراهشان خواهد بود. کتابخوانی در سنین بنده - که البته بنده چندین برابر جوان‌ها کتاب می‌خوانم - غالباً تأثیرش به مراتب کمتر است از کتابخوانی در سنین جوان‌ها و شما عزیزانی که اینجا حضور دارید. آنچه که همیشه برای انسان می‌ماند، کتابخوانی در سنین پایین است. جوانان شما، کودکان شما هرچه می‌توانند، کتاب بخوانند؛ در فنون مختلف، در راه‌های مختلف، مطلبی یاد بگیرند. البته از هرزه‌گردی در محیط کتاب هم باید پرهیز کرد، منتها این مسئله‌ی بعدی است؛ مسئله‌ی اول این است که یاد بگیرند، عادت کنند به این که اصلاً به کتاب مراجعه کنند، کتاب نگاه کنند. البته باید دستگاه‌ها مراقب باشند، اشخاص مواظب باشند، هدایت کنند به کتاب خوب؛ که با کتاب بد، عمر ضایع نشود.

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فصل نامه فرهنگے، هنری و ادبے نوج

صاحب امتیاز: اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

مدیر مسئول: دکتر حامد فاضلی کبریا

مدیر داخلی: فرشته شهمیرزادی

سردبیر: محمد جواد کشوری

زیر نظر شورای سردبیری: سهیلا بابایی- نعیمه خنکدار - مژده پاک سرشت

ربابه هاشمی- رضا عابدی- فاطمه احسانی

همکاران این شماره:

هدی کریم - سعید عشوریان - ربابه هاشمی - مرضیه آقا جان کردی - ساره

اسماعیلی - آمنه قاسم نژاد - فائزه رسکتی - شهلا نیکونیا - مارال شاه مرادی -

ماه تینا خادمی - فاطمه احسانی - صغری خلیل نژاد

عکس: حامد افروزیان

صفحه آرایی و گرافیک: رضا عابدی

و با تشکر از واحد اداری و مالی و حراست کانون مازندران

نشانی: مازندران، ساری، خیابان رودکی - جنب پارک کوشا سنگ - اداره کل

کانون پرورش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران

آدرس ایمیل: mazandaran@kpf.ir

پایگاه اطلاع رسانی:

<https://www.kanoonnews.ir/service/province/mazandaran>

شماره تماس: ۳۳۶۰۸۵۶۵ - ۳۳۶۰۸۵۶۶



## فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۹  | فرهنگ جشن‌ها و بازی‌ها در غرب مازندران                                  |
| ۱۰ | پادکست ظهر جمعه   |
| ۱۲ | جشن چله و ضرورت بهره‌گیری از این فرهنگ ملی در فرهنگ‌سازی و جذب نوجوانان |
| ۱۳ | شازده کوچولوی شرقی  |
| ۱۴ | اقدام پژوهی   |
| ۲۵ | تابستان را چگونه گذرانده اید؟ برنامه ریزی تا اجرا                       |
| ۳۳ | شعر   |
| ۳۵ | تحلیل آثار هنری اعضا  |
| ۳۸ | آثار هنری اعضا  |
| ۴۱ | اخبار برگزیده کانون مازندران  |





## جناب آقای دکتر پزشکیان، رئیس محترم جمهور

رئیس جمهور در گفت‌وگو با رسانه رهبر انقلاب گفت: در مسئله فرهنگ، اول باید خودمان را درست کنیم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوز آنها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند. در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم.



### جناب آقای دکتر علیرضا کاظمی، وزیر محترم آموزش و پرورش

سبببازی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیتی در رشد جسمی و سلامت روحی و روانی کودکان و نوجوانان است و تأثیری عمیق، ماندگار و پایدار در وجود بچه‌ها در حوزه‌های مختلف برجای می‌گذارد. اسباببازی بهترین مسیری است که از طریق آن می‌توان اهداف تربیتی، هنجارها، ارزش‌های جامعه و مولفه‌های هویت، در عین حال تفکر خلاق و مهارت‌های مختلف را به بچه‌ها منتقل کرد. حوزه اسباببازی به‌عنوان حوزه‌ای راهبردی و مهم در شکل‌گیری تربیت، نهادینه سازی آموزه‌های تربیتی و انتقال پیام‌های فرهنگی به نسل نوجوان و جوان است. زمانی می‌توانیم از این حوزه استفاده کنیم که ارتباطی مستقیم، دقیق، محکم و هدفمند بین تولیدکنندگان، طراحان و کاربران اسباببازی و نظام تعلیم و تربیت برقرار شود.

در حاشیه‌ی بازدید از نمایشگاه ملی اسباببازی، بهمن ۱۴۰۳



### جناب آقای دکتر حامد علامتی، مدیرعامل محترم کانون

همه ما دارای شناسنامه و مشخصاتی فردی هستیم که با آن شناخته می‌شویم، اما مهم‌ترین بخش هویتی ما ایرانی بودنمان است و این افتخار همیشگی است. در این سرزمین، اقوام با هر لهجه و زبانی جدا از هم نیستند. ما ایرانیان با داشتن اشتراک‌هایی در عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌ها پیوند محکمی باهم داریم و این پیوند گسستنی نیست. من و شما در کنار هم «ما» هستیم و باید با وحدت و همدلی این اتحاد را پاسداری کنیم. استقلال و سربلندی کشور حاصل ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی شهدا و ایثارگران است که برای حفظ ایران اسلامی جان‌هایشان را فدا کردند و این هویت را برای ما ماندگار ساختند. فراتر از چارچوب مرزهای جغرافیایی نیز دین اسلام و مبانی آن وجه اشتراک همه مسلمانان است و بر همین مبنا وظیفه داریم از مردم مظلوم و بی‌پناه غزه به‌ویژه کودکان حمایت کنیم.

در آیین پایانی رویداد شعرخوانی «ما همه ایرانی هستیم»



### سخن مدیرمسئول

الهی به امید تو، محضر همه‌ی شما مخاطبان فرهیخته و گرامی فصل‌نامه‌ی نوج عرض سلام، ادب و احترام دارم. به لطف پروردگار متعال نشریه‌ی نوج به ایستگاه ششم خود در زمستان ۱۴۰۳ رسید. همچون گذشته صمیمانه سپاسگزار همه‌ی شما همراهان ارجمند و قدردان مشارکت همکاران پرتلاش و اعضای عزیز کانون مازندران هستیم. مسلماً بدون همراهی شما این عزیزان نوج هم به بالندگی اکنون نمی‌رسید.

در این شماره شاهد مقالات، جستارها، تحلیل‌ها، آثار و اخبار بخش روابط عمومی هستیم که برآیندی از فعالیت‌های کانون پرورش فکری استان مازندران در چند ماه اخیر است. امید است با همراهی شما بزرگواران این نشریه کماکان و با قوت به رسالت خود ادامه داده و برگی ماندگار از اثربخشی همکاران و اعضای خوب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان مازندران به جا بگذارد.

در پایان از این فرصت استفاده نموده و مانند گذشته شما عزیزان را به مشارکت در ارسال آثار در بخش‌های گوناگون، برای درج در شماره‌های آتی نشریه نوج، دعوت می‌کنم. چنانچه بدون همراهی شما این امر میسر نخواهد بود.

پیشاپیش از مهر شما به جهت تورو و خواندن سطور این مجموعه قدردانی کرده و امید دارم ششمین شماره‌ی نوج بتواند گامی هرچند کوچک در بالندگی و اعتلای دانش و آگاهی مخاطبان بردارد.

جناب آقای دکتر حامد فاضلی کبریا  
مدیرمسئول فصل‌نامه فرهنگی، هنری و ادبی نوج





معرفی کتاب

فرهنگ جشن‌ها و بازی‌ها در غرب مازندران

سعید عشوریان

مربی مسئول مرکز فرهنگی هنری کتابم و سادات شهر

فصل دوم شمار قابل توجهی از بازی‌های بومی محلی مازندران (فقط در نام بازی و تغییراتی جزئی نسبت به هم تفاوت داشته‌اند) را یادآور شده‌است. در تدوین مجموعه‌بازی‌های مازندران، با توجه به ابزار موجود در دل طبیعت همواره سعی شده جنس، گروه مخاطب، مکان و روش بازی مشخص شده باشد.

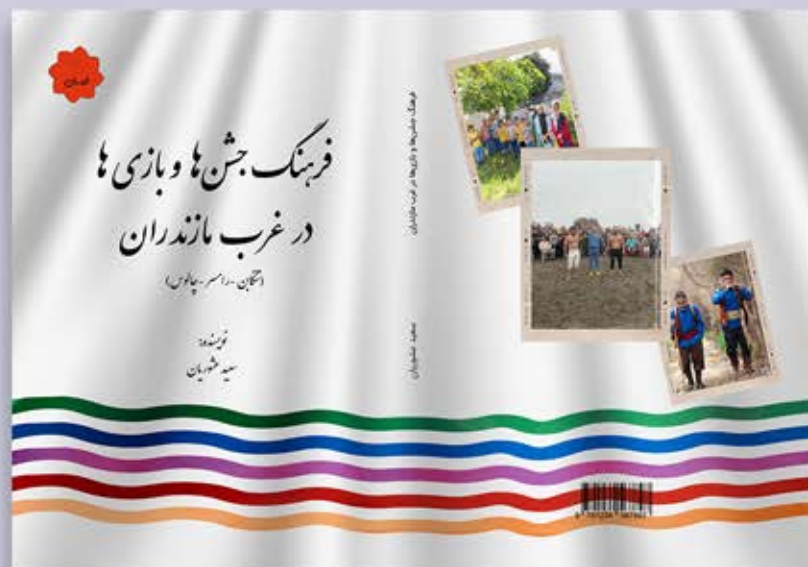
در نگارش این مجموعه تلاش شده با توجه به اجرای متفاوت در روستاهای مختلف مازندران، خرده‌فرهنگ‌ها و شیوه‌ی خاص اجرا، به موارد ریز و مهم در اجرای بازی‌ها توجه شود.

در متن کتاب حاضر به‌ویژه در پانویس کتاب علاوه بر دانش تجربی و تحقیق از اهل فن جهت اعتباربخشی بیشتر از منابع معتبر قدیمی و مشهور نیز استفاده شده است.

این کتاب مرجع خوبی برای شناخت آداب و رسوم مازندران در زمینه‌ی جشن‌های سنتی و بازی‌های بومی محلی به ویژه برای مردم منطقه، مربیان، دانش‌آموزان و اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌باشد.

در این کتاب نویسنده فرهنگ، جشن‌ها و بازی‌های بومی محلی استان مازندران، به‌ویژه تنکابن، رامسر و چالوس را جمع‌آوری نموده است. وی کودکی و نوجوانی خود را با این فرهنگ سپری کرده است. هرچند روزبه‌روز اجرای آن در جامعه‌ی یاد شده کمرنگ شده است. آنچه از متن این دفتر برمی‌آید گویای این مطلب است که معمولاً مردم این دیار بعد از کار، تلاش و زحمت جهت آسایش خیال خود یا به نشانه‌ی شکرگزاری از نعمات الهی با کمترین بضاعت خود در شادی اهل محل نقش داشته‌اند. البته در گویش مردم این دیار هنوز حکایات، قصه‌ها و زبانزده‌های مناسبی، با ظرافت خاص، که ریشه در زبان و ادبیات مردم ایران دارد، به گوش می‌رسد.

این کتاب شامل دو فصل است؛ فصل نخست اشاره‌ی اجمالی دارد به جشن‌های فرهنگ مردم مناطق روستایی تنکابن، رامسر، چالوس و نوشهر، معرفی عید نوروز در گذشته و خرده‌فرهنگ‌های آن، جشن تیرماه سیزده از گذشته تا حال، آیین ازدواج، آیین کشاورزی، امیری خوانی، بیان ضرب‌المثل‌های محلی و...



## پادکست ظهر جمعه

تجربه‌ای از داوری در بخش پادکست جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی

ربابه هاشمی

کارشناس فرهنگی کانون مازندران



عمو اصغر و عمه نقره خیلی به ما سر می‌زدند، عمو کلی قصه بلند بود که می‌توانست بچه‌ها را با آن سحر کند. حرف‌های‌تر از عمو اصغر هیچ قصه‌گویی را تا الان یادم نمی‌آید. قصه‌ی ملک‌محمد را که تعریف می‌کرد همه آرام و بی‌صدا فقط گوش می‌کردیم، وقتی می‌رسید به جمله‌ی «بوی آمیزاد میاد شقله بادامزاد میاد» چشم‌هایمان گرد می‌شد و نفسمان بند می‌آمد. اما آخر قصه، ملک‌محمد دیو را شکست می‌داد و مثل پایان همه‌ی قصه‌های عمو اصغر این بار هم ماجرا ختم به خیر می‌شد.

جوری قصه تعریف می‌کرد که انگار سال‌ها برای این کار آموزش دیده و یا حرف‌هاش به جای مکثی، قصه‌گویی‌ست.

آخرین بار که دیدمش عید نوروز سال گذشته بود، باران می‌آمد، همه فامیل جمع بودند؛ خانواده عمو حشمت هم آمدند. چند نفر از وسط مسافرت خودشان را به همدان رسانده بودند. بعضی‌ها را هم بعد از سال‌ها می‌دیدم و اگر اسم‌شان را نمی‌گفتند

ظهر جمعه توی خانه، هدفون به گوش، باید صد و هجدهمین پادکست را بشنوم، باز هم از یزد اول صدای موسیقی و دوباره صدای همان خاتم که با لهجه غلیظ یزدی مشخصات پادکست‌های موسسه‌ی سروش را می‌گوید.

این بار یک آقا را به عنوان راوی معرفی می‌کند. نام خانوادگی‌اش به گوشم ناآشناست، تا به حال نشنیده‌ام؛ یوسلیئی!

موسیقی تمام می‌شود، مشخصات را نوشته‌ام و آماده شنیدن قصه هستم. مرد جمله اول را با گفتن «جوونکی رنجور از زخم‌های جنگ...» شروع می‌کند، جمله دوم را که می‌گوید صاف می‌نشینم، صدا را بیشتر می‌کنم و هم‌تین گوش می‌شوم...

نه اشتباه نمی‌کنم خود خودش است، عمو اصغر است که قصه می‌گوید. پسر عمه‌ام در همدان که حالا پدر بزرگ است و موهای پریشانش مثل برف سفید شده. ما عمو صدایش می‌کنیم.

لحن گرم و صمیمی عمو اصغر با لهجه‌ی همدانی مثل یک موسیقی قدیمی تمام وجودم را آرام می‌کند و یک دفعه پرتم می‌کند وسط باغ‌های انگور همدان؛ همان جا که هر سال بعد از امتحانات خرداد با خانواده‌ام از ساری می‌رفتیم. خانواده عمو حشمت هم همان موقع‌ها بعد تعطیلی مدارس از تهران می‌آمدند.

روزها بیشتر در باغ انگور بودیم و فامیل برای دیدن ما به آنجا می‌آمدند. از جمله عمو اصغر که همراه عمه نقره عزیز برای دیدن دایی‌ها و دایی‌زاده‌هایش می‌آمد.

خیلی خوش می‌گذشت. ناهار را هم توی باغ می‌خوردیم. هنوز طعم آب‌گوشت کلم آن روزها زیر دندانم است. ما بچه‌ها، که تعدادمان زیاد بود، بیشتر از کمک کردن با سر صدای زیاد می‌دویدیم، بازی و دعوا می‌کردیم و در نهایت بزرگترها را کلافه.



متوجه نسبت‌شان با خودم نمی‌شدم.

اما در آن شلوغی عمو اصغر، که قد بلندی دارد، با همان آرامش همیشگی کنار زن و بچه‌هایش ایستاده بود و فقط نگاه می‌کرد. عمه نقره را که دفن کردند باران هم بند آمد و من از همان جا یکسره به ساری برگشتم.

راوی پادکست صد و هجدهم، آقای یوسلیانی با جمله: «یک هفته بین مردم ترک و کرد خیلی خوش گذشت» قصه‌اش را تمام می‌کند.

با خودم می‌گویم چرا این مرد که صدایش با عمو اصغر مو نمی‌زند! با لهجه همدانی از یزد؟ تازه توی قصه که از زبان اول شخص روایت کرده می‌گفت از اصفهان رفتم بیچار که در کردستان است! و من در ساری این قصه را می‌شنوم.

توی این فکرم تابستان بعدی که به همدان رفتم حتماً به دیدن عمو اصغر بروم و از او بخواهم دوباره برایم قصه بگوید از او اجازه می‌گیرم که صدایش را ضبط کنم.

اگر حوصله داشت و قصه گفت، شاید پادکستی درست کنم تا شما هم صدای گرمش را که با لهجه همدانی دلنشین‌تر هم می‌شود، بشنوید و لذت ببرید.

راستی شما هم کسی را دارید که شیرین‌ترین قصه بگوید؟ اگر دارید صدایش را ضبط کنید؛ دوست داشتید برای ما هم بفرستید؛ حتماً توی دبیرخانه قصه‌گویی به درد می‌خورد.



آنچه در این جشن امر مهم و موضوع بسیار جذاب قلمداد می‌شود و واژه مهر یا ایزد خورشید و جشن یا امر شادمانه است که با طلوع خورشید، سیاهی و ظلمت را در نحس‌ترین و طولانی‌ترین شب سال به خرم‌روز روشن و پاکی بدل می‌کند (پیروزی اورمزد بر اهریمن). عظمت و جایگاه مهر یا خورشید در یک جشن فصلی و ساده به موضوع مهم نفوذ فرهنگی در دنیای باستان ختم می‌شود و این مهم در قلمرو وسیع ایران گسترش یافت که کاملاً بر یکپارچه بودن ایران فرهنگی فارغ از زبان تأکید دارد.

اگرچه از تأثیرگذاری این رسم بر جشن کریسمس به عنوان روز تولد حضرت مسیح برای نخستین بار در سال ۳۶۶ میلادی نمی‌توان با قطعیت نظر داد اما بر اساس شواهد و قرائن، زمان وقوع و شیوهی رفتاری زایش مسیح و زایش مهر در اواخر پاییز و آغاز زمستان شباهت‌های بسیاری را می‌توان در این دو یافت. به نظر می‌رسد شکست رومیان در زمان شاپور دوم ساسانی راه را برای جشن کریسمس با تم شب یلدا هموار ساخت و از آن پس این دو جشن به فاصله چند روز در طول ۱۶۵۹ سال همچنان ادامه دارند.

شگفت آن که این رویداد مهم در خاستگاه خود یعنی ایران چگونه حتی از امر مهم اجتماعی به یک جشن ساده بدل گشت و نقش مهم و دیگر تأثیر آن‌چنانی در جذب جوانان و نوجوانان ایرانی به توجه دادن به غنای این سنت‌ها ندارد؛ حال آن که ریشه‌های نفوذ آن در غرب باعث رویکرد اقتصادی و منبع لایزال شادی در این جوامع شد. لذا با توجه به نکات فوق درمی‌یابیم کریسمس از قدرت و ظرفیت جشن چله یا یلدا برای برندینگ خود استفاده کرده و در جهت شادابسازی جوانان خود استفاده می‌کند.

به نظر می‌رسد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این خصوص وظیفه‌ی خطیری به عهده دارد تا با پژوهش کافی زمینه‌ی گام‌های جدی و موثری در جهت جذب و پایدارسازی نوجوانان بردارد.

لازم به یادآوری است این جشن در سراسر ایران با نام‌های محلی و با آداب خاصی برگزار می‌شود. در مازندران به این جشن «چله‌شو» گفته می‌شود که واژه‌ی ست از فارسی میانه و برگزاری آن قدمتی به دیرینگی تاریخ اسطوره‌ها دارد.

نوجوان‌محوری یکی از سیاست‌های اصلی کانون پرورش فکری در سال‌های اخیر می‌باشد. در این راستا می‌بایست به خوراک فکری و نیازهای این دسته از مخاطبان تأکید و توجهی ویژه داشت. پیش‌نیاز این مهم آشنایی بیشتر متولیان این مخاطبان با فرهنگ سنتی و بومی می‌باشد تا نوجوانان با میزان غنای این سنت‌ها آشنا شوند و آنچه خود دارند ز بیگانه‌ی تمنا نکنند

روایت‌های کلاسیک که از رفتار گروه‌ها یا جوامع اولیه نشئت گرفته عمری به درازی اندیشه انسانی دارد و شب چله یا یلدای سریانی از آن جمله رسوم کهن است که به نظر می‌رسد با توجه به زمان وقوع آن، یعنی پایان پاییز و آغاز زمستان، از جمله جشن‌های کهن جوامع کشاورزی است که در نیمکره شمالی وجود داشته است.

به احتمال بسیار زیاد این رسوم شادمانه پس از کشت گندم و جو در اواخر پاییز توسط کشاورزان اولیه در دوران نوسنگی انجام می‌شد. در دلایل شکل‌گیری این جشن آمده است که طولانی‌ترین شب سال در پایان پاییز برگریزان که در باور جوامع اولیه نحس نیز بوده با طلوع مهر به خرم‌روز آغاز زمستان یا همان انقلاب زمستانه تغییر می‌یافت. این باور در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی با ثبت در تقویم زندگی ایرانیان اهمیت یافت. تحلیل گران باستان‌شناسی و تاریخ، قدمت احتمالی این جشن را بر اساس نقوش گردونه‌ی مهر بر روی سفال‌ها و دیگر ابزار آلات، رسوم کهن قبل از دوران تاریخی ایران می‌دانند.

## جشن چله و ضرورت بهره‌گیری از این فرهنگ ملی در فرهنگ‌سازی و جذب نوجوانان

فاطمه احسانی، کارشناس  
فرهنگی اداره کل کانون  
مازندران



## حقیقت و مرد دانا

نویسنده: بهرام بیضایی تصویرگر: مرتضی ممیز



## شازده کوچولوی شرقی

### نگاهی به کتاب «حقیقت و مرد دانا»

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد  
وانچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد  
«حافظ شیرازی»

محمد جواد کشوری، کارشناس ادبی اداره کل کانون مازندران



در مسیر سفری دور و پافشاری بر یافتن آنچه نیاز  
جان آدمی است. یافتن خود، آرام گرفتن و باز  
جستجو

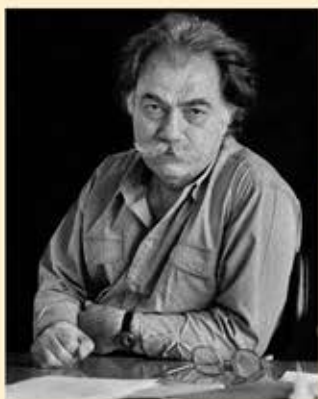
مواجه شدن شخصیت داستان با شکل‌های  
گونگون زندگی بشر که گواه گرفتاری او در گرداب  
گمراهی است توانسته از «حقیقت و مرد دانا» اثری  
بسازد که تنه به تنه‌ی آثاری مانند «شازده  
کوچولو» بزند.

زمان آن رسیده که در شناخت و معرفی این اثر  
گرانبها گام برداریم.

بهرام بیضایی و مرتضی ممیز؛ باید اعتراف کنم  
دیدن نام این دو تن بر جلد کتابی که سال ۱۳۵۱  
برای نخستین بار توسط کانون پرورش فکری به  
چاپ رسید و حالا مثل ققنوسی دوباره از میان  
خاکسترهای قدیمی سر بر آورده به اندازه‌ی کافی  
شوق‌انگیز است. ادامه‌ی این شوق البته نه فقط  
محض «بهرام بیضایی» بودن نویسنده و «مرتضی  
ممیز» بودن تصویرگر بلکه به خاطر خلق قصه‌ای  
است که از ساختار و فرمی کم‌نظیر در ادبیات  
نوجوان بهره می‌برد.

«حقیقت و مرد دانا» داستان پسر بچه‌ای است که  
برای درک مفهوم حقیقت خانه‌ی خود را ترک می  
کند و فراز و فرودهای زیادی را می‌گذراند. سرانجام  
این جستجو نه تنها برای پسر بچه‌ی داستان بلکه  
برای مخاطب کتاب هم نوعی بازگشت به خود  
است. شهودی درونی که انسان را به جستجو در  
خود فرامی‌خواند.

انتخاب فرم داستان برای بیان چنین محتوایی  
هوشمندانه و نشان از تسلط بیضایی بر هماهنگی  
کامل فرم و محتوا دارد. زبان بیضایی آنچنان که در  
متن‌های نمایشی او نیز سراغ داریم پاکیزه، باشکوه  
و مغرور در خدمت مفاهیم است.  
مخاطب کتاب نه تنها نوجوان فارسی‌زبان سال  
۱۳۵۱، بلکه «انسان» است. انسانی که تشنه‌ی  
حقیقت است؛ سردرگم در رنگها و تاریکی‌ها.  
«حقیقت و مرد دانا» فراخوانی است برای گام نهادن





## چگونه می‌توانم هویت ملی را با انجام فعالیت معرفی شخصیت در اعضای نونگاه دختر مرکز نور افزایش دهم

اقدام پژوهی: هدی کریم  
مریبی فرهنگی مرکز فرهنگی هنری نور

چکیده:  
پژوهش حاضر که با هدف تقویت هویت ملی با انجام فعالیت شخصیت در اعضای نونگاه مرکز انجام شد که جامعه آماری آن را ۲۳ نفر از اعضای نونگاه دختر مرکز تشکیل می‌دادند که در رده سنی ۱۲+ سال قرار داشتند؛ روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مشاهده و گردآوری بوده است. با اطلاعاتی که از مصاحبه و مشاهده از اعضا به دست آمد طرح های کافه‌گفتگو، بین و بیاندیش، کودکی نامداران و حدس بزن کیه در راستای تحقق هدف پژوهش انتخاب و اجرا گردید. نتیجه‌ی به دست آمده از اجرای طرح‌ها نشان از موثر بودن و علاقمند شدن اعضا به شناخت مفاخر و مشاهیر کشور عزیزمان ایران بود که این امر به دنبال خود افزایش حس هویت ملی را به همراه داشت. ثمرات روش‌های اجرا شده را می‌توان در شناساندن مفاخر و مشاهیر ملی در انتخاب موضوعات پژوهشی اعضا در کارگاه پژوهش، که حول محور شناسایی و شناخت بیشتر قهرمانان ملی و مذهبی تاریخ کشورمان بود، مشاهده نمود. همچنین موجب افزایش علاقه‌ی آن‌ها به امانت گرفتن کتاب‌های کودکی نامداران و داستان‌های شاهنامه شده بود. بهترین عامل را در بی‌علاقگی اعضا به مفاخر و مشاهیر ایرانی را می‌توان در عدم شناخت درست آن‌ها از سوی اعضا دانست.

که در آن اعضا با شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار در طول تاریخ گذشته و معاصر آشنا می‌شوند؛ این اشخاص شامل تمام افرادی است که هویت ایرانی دارند و یا متعلق به سایر کشورهای دنیا هستند. \* نونگاه: در مراکز فرهنگی هنری کانون به اعضایی که در گروه سنی ۱۲+ سال قرار دارند؛ نونگاه گفته می‌شود.

\* هویت ملی: هویت ملی هویت یا احساس تعلق فرد به یک دولت یا یک ملت است. یک حس مشترک که مردم به شکل یک وحدت کلی درک می‌کنند و نمود خود را در سنت‌ها، فرهنگ یا زبان سیاست نشان می‌دهد. هویت ملی از نظر روانشناختی به عنوان آگاهی و احساس از تفاوت بین «ما» و «آن‌ها» تلقی می‌شود.

مقدمه:

تاریخ معاصر ایران را می‌توان تاریخ چالش هویت دانست؛ زیرا از دوران قاجار به بعد، به ویژه در نهضت مشروطیت، هویت ملی ایرانیان تحت تأثیر ورود اندیشه‌های جدید غربی و رشد ملی‌گرایی با چالش‌ها و بحران‌های مهمی روبه‌رو شد. بنابراین، یکی از مسایل مهم جامعه و تاریخ ایران، حتی در طول ۲۵۰۰ سال گذشته حفظ هویت ایرانی در تقابل با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بود. این مسأله در دوران معاصر، به خصوص در عصر پهلوی و آستانه انقلاب اسلامی، شکل خاص خود را داشته است که از آن به بحران هویت یا چالش‌های هویت ملی تعبیر می‌شود. استاد مرتضی مطهری، به عنوان یکی از اندیشمندان و روشنفکران عصر پهلوی دوم و دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی، به طور یقین با مسأله هویت ملی سر و کار داشت و آن را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، نشان‌دهنده‌ی

کلید واژه‌ها: نونگاه، فعالیت معرفی شخصیت، هویت ملی، عضو  
کلید واژه‌ها:  
\* عضو: کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۶ ساله‌ای که داوطلبانه به مراکز فرهنگی هنری مراجعه نموده و درخواست عضویت دارند.  
\* فعالیت معرفی شخصیت: فعالیتی است فرهنگی؛

خوانندگان غیر ایرانی، فوتبالیست‌های خارجی، بازیگران و شخصیت‌هایی را، که در خارج از ایران در زمینه‌ی مد و لباس فعالیت می‌کنند، می‌شناسند و با جزئیات زندگی آن‌ها حتی غذاهایی که می‌خورند و برند لباس‌ها و ماشین‌هایشان را می‌دانند و سعی در تقلید از آن‌ها حتی در غذا خوردن و پوشیدن لباس به سبک آن‌ها دارند. آن‌ها تمام تلاش خود را می‌کنند که شبیه‌ترین حالت ممکن را به آن‌ها داشته باشند. این در حالی بود که هیچ شناخت و علاقه‌ای به مفاخر و مشاهیر کشور خودمان نداشتند.

بیان ضرورت و اهمیت مسئله:

هویت ملی یک ویژگی ذاتی نیست و یک نظام برساخته از روابط اجتماعی است که فرد با اتکاب به «نقاط مشترک» در روابط اجتماعی با سایر مردم به آن می‌رسد و دامنه آن می‌تواند از نمادهای ملی مشترک، زبان، تاریخ ملت، پیوندهای خونی و نژادی، موسیقی، خوراک و سبک آشپزی و... باشد. تحت تأثیرات مختلف اجتماعی، افراد با اتخاذ اعتقادات، ارزشها، فرضیات و انتظاراتی که با هویت ملی فرد همسو می‌شوند، هویت ملی را در هویت شخصی خود گنجانیده‌اند. افراد با شناسایی ملت خود، اعتقادات و ارزشهای ملی را از نظر شخصی معنادار می‌دانند و این باورها و ارزشها را در کارهای روزمره ترجمه می‌کنند. دانشمند علوم سیاسی «روپرت امرسون» هویت ملی را «توده‌ای از مردم که احساس می‌کنند یک ملت هستند» تعریف هویت ملی می‌داند. این تعریف از هویت ملی توسط روانشناس اجتماعی، «هنری تاجفل»، که نظریه هویت اجتماعی را به همراه «جان ترنر» تدوین کرده بود، نیز تأیید شد. در این تعریف فرد هم باید توانایی شناسایی ملت را داشته باشد و هم خود را عضوی از آن بداند و احساس تعلق خاطر و دلبستگی به آن ملت را داشته باشد. این حس باعث می‌شود که فرد بدون آن که الزاماً سایر افراد گروه و عضو ملت را بشناسد خود را متعهد و متعلق به گروه حس کند.

کشور عزیزما؛ ایران با قدمت و تمدن بسیار زیادی که دارد؛ و تاریخ پر فراز و نشیب معاصرو گذشته‌ی آن پر است از اسامی افراد برجسته‌ی علمی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی، شعر، ادبیات و... که

دغدغه‌های بزرگ مطهری به مقوله‌ی هویت ملی ایرانی در عصر حاضر است.

اقدام‌پژوهی حاضر با عنوان «افزایش هویت ملی با انجام فعالیت معرفی شخصیت با اعضای دختر نونگاه» در همین راستا انجام شد؛ تا بتوانم سهمی در ایجاد عرق و غرور ملی و ایجاد حس همبستگی و تعهد به کشور و هموطنان را با تقویت هویت ملی در اعضای نونگاه دختر مرکز داشته باشم.

توصیف وضعیت موجود:

مرکز نور، مرکز نسبتاً کوچکی در شهرستان نور می‌باشد؛ با قدمتی ۴۲ ساله که در پارکی به مساحت تقریبی ۱۵۰۰ متر مربع در گوشه‌ای از شهر قرار دارد. در حال حاضر یک مربی مسئول، یک مربی فرهنگی و یک نیروی خدمات در آن مشغول به کار هستیم. شهرستان نور در استان مازندران مانند تمامی شهرهای کشور عزیزمان ایران زادگاه مفاخر و مشاهیر بزرگی چون نیمایوشیج، شیخ فضل الله نوری، استاد بنان، استاد محمدنوری و... است. اما طی ۱۵ سالی که من به عنوان مربی فرهنگی در این مرکز کار میکنم همیشه شاهد آن بودم که در فعالیت معرفی شخصیت اعضای مرکز حتی شخصیت‌ها و مشاهیر شاخص کشور عزیزمان ایران را، که در تقویم ولادت و یا شهادتشان به عنوان یک مناسبت آماده است، نمی‌شناسند.

اما علاقه‌ی زیادی به الگوسازی از شخصیت‌های انیمیشنی دارند؛ به طوری که تصویر این شخصیت‌ها بر روی کیف‌ها لباس‌ها و جامداتی آن‌ها دیده می‌شود؛ متأسفانه همگی آن‌ها متعلق به فرهنگ غربی بودند و هیچ نزدیکی با فرهنگ ملی و مذهبی ما نداشته و ندارند و این در حالی است که ما در تاریخ کشور عزیزمان ایران به جهت فرهنگ غنی و تمدن طولانی‌ای که داریم مفاخر و مشاهیر به نامی را در زمینه‌های مختلف علمی؛ نجوم، ریاضی، فلسفه شعرو ادبیات و... داریم که شهرت جهانی دارند اما برای بچه‌های کشور خودمان گمنام هستند. و این امر در طی سال‌های اخیر به جهت دسترسی کودکان و نوجوانان به فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به ویژه در اعضای نونگاه و نوجوان دختر مرکز بسیار مشهود و بیشتر شده است. به طوری که آن‌ها بسیاری از بندهای موسیقی دنیا و

ارتباط وجود دارد؟

ج) چه عواملی سبب کاهش علاقه‌ی اعضای نونگاه دختریه شناخت مشاهیر و مفاخر شده است؟

د) آیا بین عدم معرفی مشاهیر و مفاخر و انتخاب سبک و الگوی مناسب رفتاری در اعضای نونگاه دختر ارتباط وجود دارد؟

ه) آیا بین عدم وجود منابع کافی و جذاب در کتاب خانه‌های کانون در زمینه معرفی مشاهیر و مفاخر و عدم شناخت اعضای نونگاه دختر از آن‌ها ارتباط وجود دارد؟

پیشینه تحقیق:

الف) نظری:

هویت ملی از مقولاتی است که در قرن بیستم و بعد از شکل‌گیری سیاسی نظام بین‌المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد؛ هر چند که همواره یکی از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان ایرانی بوده است. هویت ملی نیز، مانند هویت، تعاریف مختلفی دارد. در یک تعریف: هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است، و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس می‌کنند (یوسفی، ۲۶: ۱۳۷۹ و ۲۷). در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنن و حلقه‌ی ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است» (حاجیانی، ۱۹۷: ۱۳۷۹).

در تعبیری کامل‌تر هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (حاجیانی، ۱۹۷: ۱۳۷۹).

ب) عملی:

۱- در پژوهشی که عنوان تجارب زیسته نوجوانان از نقش رسانه‌های سنتی و نوین در هویت ملی توسط غلامعلی فرج زاده؛ علی جعفری در سال ۱۴۰۲ با جامعه آماری که شامل تمامی نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال شهر اردبیل است. حجم نمونه شامل ۱۷ نفر

در بسیاری از آن‌ها در تمام دنیا شناخته شده هستند به سبب کارهای بزرگ و موثری که انجام داده‌اند؛ مورد تمجید و تحسین جهانیان می‌باشند. بنابراین شناساندن درست آن‌ها بخصوص به کودکان و نوجوانان که آینده‌سازان یک کشور هستند می‌تواند کمک بزرگی در بوجد آوردن جرات مندی، و باور به توانایی‌ها خود برای رشد شخصی و به طبع آن رشد اجتماعی در آن‌ها خواهد شد را بکند.

به واسطه‌ی تقویت و ایجاد حس هویت ملی به نوعی در بوجد آوردن عرق، غرور، عشق به هم وطن و احساس تعهد و همبستگی ملی در میان مردمان یک کشور ایجاد می‌شود که سبب صعود یک ملت در مفهوم یک کشور به سکوه‌های جهانی در تمام ابعاد مختلف سیاسی، علمی، اجتماعی، ورزشی و... خواهد شد. و من به عنوان مربی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که یکی از سازمان‌های مرتبط و موثر در ارتباط با کودکان و نوجوانان این کشور است وظیفه‌ی خودم میدانم که در راه شناساندن فرهنگ، سنت‌ها و شخصیت‌های برجسته کشورم که نشان از قدمت تمدن ما دارد کاری بکنم.

اهداف پژوهش:

هدف کلی:

ایجاد حس هویت ملی با فعالیت معرفی شخصیت در اعضای دختر نونگاه مرکز نور.

اهداف جزئی:

الف) ایجاد حس جرات مندی در اعضای نونگاه دختر

ب) ایجاد فضایی شاد و مفرح در انجام فعالیت معرفی شخصیت

ج) ایجاد حس غرور ملی و همبستگی ملی در اعضای دختر نونگاه

د) ایجاد حس عرق ملی و وطن دوستی در اعضای دختر نونگاه

سوالات پژوهش:

الف) آیا بین عدم شناخت کافی اعضای نونگاه دختر از مشاهیر و مفاخر کشورمان و بی‌علاقگی به آن‌ها ارتباط وجود دارد؟

ب) آیا بین عدم معرفی درست و جذاب مشاهیر و مفاخر به اعضای نونگاه دختر بی‌علاقگی به آن‌ها



ملیت بود. نتایج نشان داد که میزان توجه به ابعاد هویت ملی، در این کتب، متفاوت است و به بعضی ابعاد و مؤلفه‌ها، کم‌توجه شده است. همچنین به ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم ابتدایی و هفتم متوسطه اول، به‌طور متعادل و متوازن اشاره نشده است.

۳- در پژوهشی با هدف بررسی هویت ملی و مدرن دانش‌آموزان بلوچ شهر سراوان انجام گرفت. در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ توسط اسما پرسی؛ ناصر ناستی زایی انجام شد که روش پژوهش آن توصیفی پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان بلوچ پایه سوم متوسطه دوم شهر سراوان (استان سیستان و بلوچستان) به حجم ۱۰۹۳ نفر بود. ۲۷۴ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (برحسب جنسیت و رشته تحصیلی) مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ی ابعاد هویتی (سلگی، اسکندری، دلاور و برجعلی، ۱۳۹۴) بود که به بررسی هویت ملی و مدرن می‌پرداخت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تی تکنمونه‌ای و تی برای گروه‌های مستقل) با کمک نرم‌افزار SPSS ۲۱ استفاده شد. براساس یافته‌ها، وضعیت هویت ملی و هویت مدرن دانش‌آموزان در سطح بالاتر از متوسط قرار داشت. دیگر یافته‌ی این مطالعه نشان داد که دختران در مقایسه با پسران هویت ملی و هویت مدرن بالاتری داشتند.

۴- در پژوهشی که توسط الهام شیردل؛ فاطمه حامی کارگر؛ فاطمه انجم شعاع و با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با هویت ملی دختران نوجوان شهرستان کرمان در سال ۱۳۹۸ پرداخته شده است. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر هویت ملی با نقش میانجی سبک زندگی بوده است. نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۰ نفر از دختران نوجوان شهرستان کرمان که به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ماهیت این تحقیق کاربردی، روش تحقیق پیمایشی و ابزار آن پرسشنامه است. تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار AMOS و SPSS ۱۹ انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان

از نوجوانان دانش‌آموز بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند و براساس اصل اشباع نظری انتخاب و داده‌ها براساس تحلیل مضمون، تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که براساس تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان، شکاف بین دانش، نگرش و رفتار نسبت به هویت ملی در رسانه‌های سنتی و نوین مشهود بود؛ به‌طوری‌که هویت ملی و ابعاد آن در بین نوجوانانی که رسانه غالب آن‌ها از نوع رسانه‌های نوین است ضعیف‌تر از نوجوانانی است که رسانه غالب آن‌ها از نوع رسانه‌های سنتی است. هویت ملی نوجوانانی که از رسانه‌های سنتی استفاده می‌نمایند، شکل یافته‌تر، منسجم‌تر و واقعی‌تر بوده و هویت ملی افرادی که از رسانه‌های نوین استفاده می‌کنند، سیار، ناپایدار و متکثر بوده است؛ هویتی که با توجه به برخی خصوصیات، می‌توان آن را هویت فراملی یا جهانی نامید. نوجوانان با مصرف غالب رسانه‌های سنتی سعی در پاسداشت منابع سنتی هویت ملی داشته‌اند؛ در مقابل، نوجوانان با مصرف غالب رسانه‌های نوین خود را طرفدار هویت جهانی یا جهان‌وطنی بازنمایی می‌کردند.

۲- در پژوهشی که با عنوان هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی ششم ابتدایی و هفتم متوسطه اول توسط مرتضی گلشنی؛ عبدالحسین حیدری در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ که با روش توصیفی - تحلیلی و با روش آنتروپی شانون انجام شد؛ که جامعه آماری آن، کتب مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم ابتدایی و هفتم متوسطه اول، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، بود. نمونه آماری نیز، برابر با جامعه آماری، در نظر گرفته شد. همچنین، با استفاده از فهرست‌وارسی از ابعاد هویت ملی، با ۹ بعد و ۳۷ مؤلفه، داده‌ها جمع‌آوری شدند. نتایج تحلیل محتوای آنتروپی شانون، نشان داد که از بررسی کتب مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم ابتدایی و هفتم متوسطه اول، از مجموع ۲۸۳ واحد شمارش شده مربوط به هویت ملی، از کل ۱۳۳۱ واحد گزاره (متون، تصاویر، فعالیت‌ها و پرسش‌های) موجود در جامعه آماری، بعد فرهنگ و میراث فرهنگی با ۱۰۸ مورد، بیش‌ترین و بعد سیاسی با ۵ مورد، کم‌ترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. بیش‌ترین ضریب اهمیت نیز با مقدار (۰/۱۷۹)، مربوط به بعد اجتماعی و کم‌ترین ضریب اهمیت با مقدار (۰/۱۱۲) مربوط به بعد

آزاد با آن‌ها به بحث و گفتگو نشستیم و از آن‌ها خواستیم خود را در کافهای تصور کنند که می‌توانند یک نفر را از میان آدم‌های معروف و مشهور جهان در گذشته و معاصر زنده و یا مرده را به خوردن یک چای یا قهوه دعوت کنند و می‌خواهند آن یک نفر چه کسی باشد؟ در کمال ناباوری و در کلاس ۲۳ نفر از دختران نونگاه بیش از نیمی از آن‌ها سلبریتی‌های کره‌ای، بازیگر و اعضای گروه بند BTS را نام بردند و مابقی هم از بازیگران و فوتبالیست‌های خارجی نام بردند و تنها یک نفر بود که نام فردوسی بزرگ را آورد. بار دیگر در جلسه‌ای دیگر از تمرین نقد و گفتگو از بچه‌ها پرسیدم اگر این شانس را داشتید که در جایی به غیر از ایران بدنیا بیایید و در واقع در انتخاب کشور خود اختیار داشتید کدام کشور را انتخاب می‌کردید. جوابها برای من شوکه‌کننده بود کره، امریکا، کانادا و استرالیا و سوالم را این چنین ادامه دادم که در آرزوی دست یافتن به چه اتفاق مادی در زندگی هستید. آن‌ها در پاسخ به من دیدن کره و امریکا از نزدیک و امتحان کردن غذاهایی که در فیلم و سریال‌های کره‌ای می‌بینند. البته فکر کردن به مهاجرت و رفتن چیزی نبود که برای تازه باشد این را مدام از والدین اعضا و دوستان دورو برم می‌شنوم که این دغدغه را تقریباً در تمامی والدین نسل جدید میبینم که به طبع آن را به فرزندان خود منتقل کرده‌اند. آن‌ها باور دارند که آن‌ها در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... از ما برتری دارند.

#### تجزیه و تحلیل شواهد ۱

جمع‌بندی اطلاعاتی که از گفتگو با اعضا و خانواده هایشان و مشاهدات خودم از رفتارها و صحبت‌های اعضای نونگاه دختر مرکز کاملاً برایم واضح بود که آن‌ها هیچ شناختی نسبت به تاریخ و مفاخر کشور خودمان ایران ندارند و هیچ عرق ملی و حس وطن دوستی در آن‌ها جریان ندارد. من می‌دانم که اعتقادات، احساسات و هویت ملی افراد در طی زندگی به‌خصوص دوران نوجوانی تحت تأثیر شرایط فرهنگی - اجتماعی خاصی که فرد در آن زندگی می‌کند شکل می‌گیرد. بنابراین باید برای شناساندن مفاخر و مشاهیر کشورمان کاری می‌کردم نتایج

داد سرمایه‌اجتماعی بر هویت ملی تأثیر مثبت و معناداری دارد، همچنین تأثیر نقش میانجی سبک زندگی در رابطه میان سرمایه‌اجتماعی و هویت ملی مورد تأیید قرار گرفت و در ضمن، قوی‌ترین ارتباط بین متغیر سبک زندگی و هویت ملی مشاهده شده است. مجموع متغیرهای مستقل و میانجی ۲۱ درصد از واریانس متغیر وابسته هویت ملی را تبیین می‌کند. ابعادی از سبک زندگی چون میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، شبکه‌های مجازی، سبک‌های فراغتی جدید و مدیریت بدن دارای رابطه منفی با هویت ملی دختران است و از طرفی ابعادی چون میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و سبک زندگی دینی دارای رابطه مثبت با هویت ملی دختران است.

#### شواهد ۱

#### جمع آوری اطلاعات:

#### مشاهدات:

اولین و ابتدایی‌ترین ابزار من در گراوری اطلاعات مشاهده بود چرا که من هرروز شاهد صحبت‌ها و گفتگوهای اعضای نونگاه دختر مرکز پیرامون سلبریتی‌ها و بویژه سلبریتی‌های غیر ایرانی بودم و من می‌دیدم که چقدر آن‌ها به گروه موسیقی کره ای به نام (BTS) علاقه دارند و حتی بسیار بریا عجیب بود که آن‌ها همگی در دسترس‌ترین غذای کره‌ای نودل و موجهی را به وفور مصرف می‌کنند و تمام دارند از زندگی کره‌ای و نزدیک به فرهنگ و سبک زندگی آن‌ها لذت می‌برند. و دائماً درباره‌ی آن‌ها بحث و گفتگو می‌کنند و تصویر روی جلد و پشت صفحه گوشی و قاب‌های گوشی آن‌ها اعضای خوانندگان این بند موسیقی هستند. و این امر را در صحبت‌های کوتاه و مختصری که گاهی با خانواده‌ها زمانی که به دنبال آن‌ها می‌آمدند می‌شنیدم که دائماً از آن‌ها می‌خواهند که برایشان خوراک‌های کره‌ای بخرند و همچنین دوست دارند آن‌ها لباس بپوشند حتی به خاطر دارم که یکی از بچه‌ها می‌گفت آرزو دارم بتوانم زبان و نوشتن کره‌ای را بتوانم یاد بگیرم.

#### گفتگو:

جهت بررسی همه جانبه از مسئله، و همچنین بدست آوردن اطلاعات دقیق و گسترده‌تر پیرامون مسئله، مصاحبه‌ای با اعضا انجام دادم و در قالب بحث

و در جهان می‌باشد؛ از طرفی این اعضا با توجه قرار داشتن در آستانهی نوجوانی و شرایط خاص بلوغ و روانی اشان خیلی حوصله‌های انجام کارهای طولانی و تکراری را ندارند آن‌ها بیشتر به دنبال یک گوش شنوا هستند برای شنیدن حرف و نگرانی‌هایشان در این دوره حساس از زندگی و در عین حال مشکل تعارض و هویت یکی از مشکلات رایج و مبتلا به بچه‌ها در این گروه سنی می‌باشد آن در این سن بسیار برایشان مهم است که مانند گروه همسالان خود رفتار کنند و بیان‌دیشند بنابراین این حجم از تشابه در افکار و خواسته‌ها خاصیت قرابت سنی آن‌ها و دغدغه‌های خاص این گروه سنی می‌باشد. الگو برداری و به دنبال الگو و قهرمان بودن در سن نوجوانی هم یکی از مسائل پیش روی آن‌ها بود؛ بنابراین برنامه ریزی برای این گروه سنی متناسب با شرایط خاص روحی و جسمی دوران بلوغ باشد. بنابراین باید راهکارهای را ارائه می‌دادم که ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

- ۱- باعث تشویق و ترغیب اعضا به شناختن مفاخر و مشاهیر کشور خودمان باشد.
- ۲- جذاب و خلاقانه باشد.
- ۳- فعالیت‌ها با محوریت بحث و گفتگو باشد.
- ۴- در قالب فعالیت‌های چون روخوانی کتاب، نمایش فیلم، بازی و سرگرمی، مسابقه، نقد و گفتگو باشد.
- ۵- فعالیت‌ها به گونه‌ای باشد که مربی متکلم وحده نباشد.

بنابراین طرح‌های، حدس بزن کیه، کودکی نامداران، ببین و بیان‌دیش، کافه‌گفتگو به جهت دارا بودن شرایط و ویژگی‌های مورد نظر در راستای تحقق هدف پژوهش جهت کار با اعضا و اجرا انتخاب شد.

اجرای راه حل موقتی:

در راستای ایجاد هویت ملی در اعضای نونگاه دختر طرح‌های زیر به عنوان راه حل مسئله پیش رو طراحی و اجرا گردید:

- ۱- کودکی نامداران: این طرح که نام خود را از سری کتاب‌هایی به این نام که به تازگی توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده و در کتاب‌خانه‌های کانون وجود دارد؛ که شاید بدون اغراق بتوان گفت یکی از بهترین

مصاحبه با اعضا نشان می‌داد که بیشترین سهم بی‌علاقگی آن‌ها به مشاهیر و مفاخر و فرهنگ کشور خود از ندانستن و آگاهی نداشتن می‌آید چنانکه کشورهای غربی و کره‌ای هزینه‌های گزاف برای اشاعه فرهنگ و موسیقی و سبک زندگی خود در کل دنیا کرده‌اند ما کارهای بسیار محدود و بدون کیفیت و جذابیت برای معرفی مفاخر کشور عزیزمان انجام داده‌ایم. متأسفانه نزدیک به ده سال است که سریال‌ها و کارتون‌های کره‌ای بطور مدام و بی‌وقفه در شبکه‌های اصلی صدا و سیمای ما که بینندگان میلیونی از خانواده‌های ایرانی دارد پخش می‌شود و در مقابل هیچ آثار فاخر و ارزشمندی از مفاخر و تاریخ باشکوه کشور خودمان برای نمایش در شبکه‌های داخلی وجود ندارد. رسانه‌هایی چون رادیو تلویزیون ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار برای دریافت اطلاعات به اکثریت مردم یک جامعه هستند بنابراین می‌بایست در پخش و انتخاب برنامه‌های آن به شدت حساس بود و در عین‌ها بهترین پلتفرم برای ارائه محتوا و موضوعاتی است که ارزشمند و گرانبها هستند و با اهداف خاص سیاسی؛ اجتماعی، فرهنگی، هنری و... از آن بهره برد. اما من به عنوان مربی باید سهم خود را در اشاعه فرهنگ و هویت ملی کشور عزیزمان ایران برای کودکان و نوجوانان در دسترس در مرکز ایفا می‌کردم.

میان ابزارها و فعالیت‌هایی که داشتم باید از آن‌هایی استفاده می‌کردم که هم جذاب باشند، هم جدید باشند و هم اینکه از تمام فعالیت‌ها با محور معرفی شخصیت بهره ببرم بدون آنکه مستقیماً بخواهم فعالیت معرفی شخصیت را انجام دهم؛ چرا که اگر این فعالیت با همین عنوان و در قالب شیوه‌های مختلف ارائه نمی‌شد برای آن‌ها تکراری و خسته کننده بود و من نمیتوانستم نتیجه‌ی مطلوب را بگیرم. همچنین از فعالیت‌هایی مانند تمرین نقد و گفتگو و نمایش فیلم و کتابخوانی و... هم برای بیان مفهوم هویت و در راستای آن در گام بعدی در تحقق هویت ملی بهره ببرم. انتخاب راه حل موقتی:

از تجزیه و تحلیل مصاحبه با اعضا متوجه شدم مهمترین علت در علاقمند نبودن اعضای نونگاه به مشاهیر و مفاخر کشور عزیزمان ایران شناختن آن‌ها و ندانستن جایگاه و ارزش آن‌ها در زمینه‌های مختلف

سرگرمی در اختیار اعضا قرار می‌گرفت تا از بین کارتهای بسیاری که بر روی آن اطلاعات مربوط به شخصیت‌های مختلف نوشته شده بود سوال و جواب مربوط به هر شخصیت را پیدا کنند و در صورت درست بودن و مکمل بودن سوال و جواب برای هم امتیاز کسب می‌کردند؛ و در پایان کسی که بیشترین کارتهای مکمل سوال و جواب را پیدا میکرد برنده بازی بود. لازم به ذکر است که اگر بخواهم شیوه بازی را این طرح به بازی تشبیه کنم شبیه کارتهای بازی نام‌ها و نشانی‌های قرآن است با این تفاوت که در کارتهای حدس بزن کیه برگهی راهنمایی وجود نداشت و اعضا با تکیه بر اطلاعاتی که در کارگاهها روان خوانی کودکی نامدارن بدست آورده بودند کارت سوال و جواب مکمل را می‌گرفتند.

۳- بیین و بیاندیش: فعالیت نمایش فیلم همیشه برای اعضای کودک و نوجوان کانون جذاب بوده است و آن‌ها از دیدن فیلم لذت می‌برن بنابراین فرصتی بود برای من تا با بهره بردن از این فعالیت جذاب برای اعضا به نفع هدف من که تشکیل هویت و الگو برداری بود، تا در گامی بلندتر و بعدی ایجاد هویت ملی بود دست پیدا کنم؛ برای این منظور از فیلم‌هایی استفاده کردم که محتوای آن مربوط به هویت، تاثیر شخصیت‌ها و الگوهایی که هر شخص در زندگی خود انتخاب و میکند و مهمتر از هم تاثیر اندیشه‌ها و تفکرات غالب بر افراد یک جامعه چقدر می‌تواند در مسیر زندگی و اهداف و آینده ما موثر باشد و از همه مهمتر فیلم‌هایی انتخاب شد که در در لایه‌های عمیق و پنهان آن این نکته طلایی وجود داشت که بهترین آدم زندگی هر شخصی خود اوست با افکار و انتخاب و تصمیماتی که می‌گیرد می‌تواند زندگی خود را منقلب کند. بنابراین فیلم‌های نشانی، تقلید، علامت سوال و سپیدبالان برای این منظور انتخاب شد. پس از تماشای فیلم تمامی اعضا به نقد و بررسی فیلم می‌پرداختن و با نوشتن سوالات فلسفی با پاسخ باز به تفکر و اندیشه می‌پرداختن و تمام لایه درونی و عمیق فیلم را در این کارگاههای نقد و بررسی خارج میکردند و با هم به نقد و گفتگو می‌پرداختند. و من به عنوان تسهیل گر مباحث را به سمت شکل گیری هویت در دوره حساس زندگی

کتابهایی که در سال‌های اخیر توسط کانون چاپ و منتشر شده است. این کتابها که برای سنی نو نگاه و نوجوان با عنوان کودکی نامدارن منتشر شده است که در آن داستان کودکی از یک مفاخر و مشاهیر آمده است و هر جلد مربوط به یک شخصیت می‌باشد. ویژگی منحصر به فرد این کتاب ها حجم کم اما مطالب جذاب و عمیقی که از زندگی نامه آن فرد است بیان شده و در واقع جرقه ای که زندگی آن شخص زده شده تا او را آن زمینه تبدیل به فردی معروف و شاخص در این زمینه کرده است بیان شده است و نکته‌ی بسیار جالب این کتابها انتخاب از اشخاص مختلفی، علمی، فرهنگی، هنری، و سیاسی می‌باشد و می‌تواند تمام سلايق را مورد پوشش قرار دارد. در این طرح از این کتابها برای کارگاه روخوانی انتخاب می‌شد و از آن جهت که حجم آن کم بود و مطالب کتاب جذاب با استقبال اعضا رو به رو می‌شد. لازم به ذکر است که این کتابها با بازی‌های جذاب منچ و مارو پله که در مرکز برای روخوانی طراحی شده بود استفاده می‌شد. و اعضا بصورت غیر مستقیم با مشاهیر و مفاخر آشنا می‌شدند و داستان موجزی را زندگی نامه آن‌ها را می‌خوانند و ود پایان خواندن هر کتاب معرفی از شخصیت از شخصیت مورد نظر انجام میشد و اطلاعات تکمیلی در اختیار اعضا قرار می‌گرفت؛ تا برای انجام فعالیت حدس بزن کیه در کارگاههای بعدی البته بدون اطلاع اعضا از آن کارگاه و بصورت غیر مستقیم.

۲- حدس بزن کیه: حدس بزن کیه نام طرحی بود که پس از فعالیت روخوانی کودکی نامداران با اعضا اجرا می‌شد این طرح که با هدف معرفی شخصیت و در قالب بازی انجام می‌شد به این شیوه اجرا می‌شد که مربی کارتهایی را از قبل تهیه کرده بود که روی یکسری از آن‌ها سوال و روی کارتهای دیگر جوابها نوشته شده بود؛ که متن سوالها و جواب های روی کارتها شامل اطلاعاتی پیرامون زندگی نامه، آثار، وقایع و اتفاقات تاثیر گذار در زندگی آن شخصیت و یا تاثیر به سزایی که آن شخص در زندگی خود و در تاریخی که می‌زیسته داشته است. و بعد خواندن چندین جلسه از کتابهای کودکی نامداران و معرفی مشاهیر و مفاخر و آشنایی با زندگی نامه‌ی آن‌ها این کارتها در قالب بازی و

بزرگی و شکوه تاریخ و مفاخر کشور خود را آگاه می شدند شور و هیجان در آن‌ها برای دانستن و شناختن بیشتر آن‌ها در آنها شدت می‌گرفت. مخصوصاً وقتی معرفی و گفتن ماجراهایی از این شخصیت‌ها که کمتر نقل شده و براین آن‌ها شگفتی و تازگی را توامان به همراه داشت. از میان طرح‌های انجام شده را از جهت استقبال از سوی اعضا به ترتیب زیر رده بندی کرد:

۱- حدس بزن کیه: این طرح به آن جهت که جنبه بازی و سرگرمی و مسابقه و رقابت را داشت از سایر طرح‌ها برای اعضا جذاب‌تر بود و به خاطر ماهیت بازی و سرگرمی بودن آن حجم از اطلاعات را پیرامون معرفی مفاخر و مشاهیر در قالب سوالات کوتاه و جواب‌های کوتاه به اعضا انتقال داد.

۲- ببین و بیاندیش: فاعلیت نمایش فیلم همیشه یکی از فعالیت‌های جذاب و مورد علاقه اعضای کودک و نوجوان در مراکز می‌باشد. در طرح من هم نیز چنین بود و اعضا علاوه بر اینکه دیدن فیلم را دوست داشتند به بحث و گفتگوی بعد از آن و سوالات فلسفی که در راستای آن در می‌آوردند بسیار علاقه داشتند از اینکه دیگر هدفمند فیلم مینند و از لایه‌ها و مفاهیم سطح فیلم عبور میکنند و تحلیل و بررسی عمق نگاه نویسنده اثر و در باره جز جز بخش‌های هنری و محتوای آن در ارتباط با موضوع فیلم و نقد و بررسی میکنند برای آن‌ها هم جذاب بود هم سبب غنی شدن تفکر و سبک آهین‌ها در گفتگو شده بود. از طرفی من به عنوان مربی بطور غیر مستقیم با انتخاب فیلم‌هایی که لا محوریت الگو برداری، هویت، عوامل محیطی در تشکیل شخصیت و هویت ما شکل دارند بطور غیر مستقیم به هدفم که تقویت هویت ملی بود می‌رسیدم.

۳- کافه‌گفتگو: این طرح هم که در راستای هدفم که ایجاد هویت ملی در اعضای نونگاه دختر مرکز بود با استقبال خوبی از سوی اعضا رو به رو شد؛ چرا که آن‌ها بخاطر خاص شرایط سنی و دوران بلوغ به شدن تمایل و نیاز به حرف زدن و شنیده شدن دارند و بحران هویت و الگو برداری از گروه همسالان برای برخورداری از محبوبیت میان همسالان از دغدغه‌های گروه سنی آن‌ها می‌باشد. همچنین مطرح کردن سوالات و سرنخ گفتگو از

آن‌ها و تاثیر محیط و الگو برداری را در بحران هویت دوران بلوغ و سبب آن در تشکیل و یا تخریب هویت ملی جوانان یک مملکت می‌بردم.

۴- کافه‌گفتگو: در این طرح که با هدف تقویت مهارت نقد و گفتگو در اعضا پیرامون یک موضوع و مسئله مشخص انجام میشد. تمام بحث‌ها مستقیم و غیر مستقیم پیرامون موضوعاتی بود که در تشکیل هویت و شناخت فرهنگ و هویت ملی و معرفی و شناسایی مفاخر گذشته و معاصر ایرانی در داخل و یا خارج از کشور پرداخته می‌شد تا آن‌ها به این مسئله آگاه شوند که ما در زمینه‌های مختلف موسیقی، هنر، علمی، تاریخی، ورزشی و... افراد شاخصی را داریم که قابل احترام جهانیان می‌باشند و ما می‌بایست نه تنها که آن‌ها را بهتر بشناسیم و از آن‌ها الگو برداری کنیم بلکه باید با افتخار از آن‌ها نام ببریم و به ایرانی بودن خود افتخار کنیم. در این جلسات نقد و گفتگو که در روزهای خاص و با حضور اعضای نونگاه دختر مرکز انجام میشد موضوعاتی همچون اگر می‌توانستی جای یک شخص معروف باشی می‌خواستی آن شخص کیست؟ و چرا؟

شما اگر قرار باشد در زندگی یک الگو داشته باشید که نقشه راه شما در مسیر زندگی باشد کیست؟ اگر قرار باشد در انتخاب کشور خود اختیار داشتید کدام کشور را انتخاب می‌کردید؟ چرا؟

و سوالاتی از این دست که هم من به عنوان مربی متوجه شوم که اعضا نگاهشان به زندگی و میزان شناخت و آگاهی‌شان از مفاخر تاریخ کشور عزیزمان ایران چقدر است و هم اینکه آن‌ها بطور غیر مستقیم آگاه شوند که هویت آنان متعلق به چه کشور و تاریخی است و نه تنها در صدد از بین بردن آن نباشند بلکه تمام تلاش خود را در ایجاد و تقویت حس هویت شخصی و ملی خود کنند. و بطور غیر مستقیم در خلال بحث و گفتگو مفاخر و مشاهیر ایرانی را با ذکر افتخارات و پیشنه‌ایی که زمینه‌های مختلفی هنری؛ سیاسی، اخلاقی، فلسفه، علمی و... را بطور غیر مستقیم به آن‌ها معرفی کنم.

شواهد ۲

ارزیابی طرح‌های اجرا شده

من در تمام مراحل انجام طرح‌ها با هدف معرفی مفاخر و مشاهیر کشور با اعضای دختر نونگاه مرکز شاهد این موضوع بودم آن‌ها هرچقدر جایگاه و

متاسفانه این موضوع امری است که از سوی سازمان‌های فرهنگی و آموزشی چون آموزش و پرورش، صدا و سیما که متولی این امر هستند دانست چرا که برای داشتن کودکان و نوجوانان آگاه که در آینده شهروندان آگاه یک جامع را میسازند دادن خوراکی‌های فاخر فرهنگی و اجتماعی است نه پخش مداوم فیلم‌ها و سریال‌های کره‌ای که حتی تغذیه آن‌ها بر سر سفره‌های ایرانی ما آمده است. این در حالی است که در تمام جنبه‌های مختلف فرهنگی، علمی، تاریخی، اجتماعی و تاریخی ما دراری پیشه‌ی عمیق و ارزشمندی هستید که متاسفانه به بوتهی فراموشی سپرده شده است و این در حالیست که کتاب بسیار از مفاخر علمی و ادبی و هنری و تاریخی ما مانند حافظ، عطار، خیام، سعدی، ابوعلی سینا، مریم میرزاخانی، زکریای رازی و... نه تنها برای جهانیان شناخته شده هستند بلکه در بسیار از علوم همچنان الگو و راهگشای دانشمندان دنیا هستند و کشفیات آن‌ها مورد استفاده‌ی آن‌ها می‌باشد و اما این افراد در کشور عزیز خودمان برای کودکان و نوجوانان کشور عزیزمان مهجور و ناشناخته این دردناک است که ما اسطوره‌ها و قهرمانان افسانه و واقعی بساری در تاریخ و ادبیات کشور خودمان داریم و نوجوانان ما جو مونگ را به عنوان یک قهرمان از اویاد کنند و نام ببرند. بسیار تاسف برانگیز است که ما آثار فاخر موسیقی و ابزار و آلات موسیقی ایرانی و سنتی و یا فیلم‌های بی‌نظیر در طول تاریخ سینما و موسیقی کشور عزیز خودمان داشته باشیم و خوراک موسیقی که به بچه‌های ما داده میشود موسیقی‌های یک گروه موسیقی باشد که نه سنخیتی با فرهنگ ما دارد و نه مذهب ما و تمام افکار و رفتار نوجوانان ما را تحت تاثیر قرار داده است.

تمامی کسانی که دست اندکار بحث تعلیم و تربیت و فرهنگ و آموزش کودکان و نوجوانان این مملکت هستند و یا در آن سهمی دارند باید تمام تلاش خود را برای معرفی هرچه بیشتر و جذاب‌تر مفاخر و مشاهیر و تاریخ باشکوه کشور عزیزمان ایران به نسل‌های آینده را بکنند. تا از بین رفتن حس وطن دوستی، عرق ملی، همستگی و تعهد و تعلق ملی در آیندگان این کشور جلوگیری کنند. مریبان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم

- کودکی نامدارن: اگرچه این طرح به جهت اینکه کتابخوانی از فعالیت‌های مورد علاقه اعضا در گروه سنی هدف نمی‌باشد و شاید به اندازه سایر طرح‌ها مورد استقبال از اعضا نبود اما به جهت کیفیت و متن جذاب و اندک سری کتابهای کودکی نامداران و انجام آن با بازی منچ و مارو پله مخصوص روخوانی کتاب در مرکز که جنبه سرگرمی هم برای آن‌ها داشت توانسته بود با علاقمند کردن اعضا به امانت گرفتن این سری کتابها و معرفی شخصیتی که بعد از خواندن کتاب توسط مربی در کلاس انجام میشد من را به هدفم برساند و با حداقل نزدیک کند.

#### اعتبارسنجی

مشاهدات خودم و همکارانم بعد از انجام طرح‌ها شگفت انگیز بود؛ بسیار اعضا کتابهای کوچکی نامداران را به امانت می‌گرفتند و برای مطالعه به خانه می‌بردند، علاقه‌ی آن‌ها به خواندن کتاب شاهنامه بیشتر شده بود و کتابهای داستان‌های شاهنامه را برای خواندن امانت می‌گرفتند. و شاید بتوان تاثیر گذارترین بخش اجرای طرح را در عناوین پژوهش های اعضا نونگاه دید که در مورد، بیستون و داستان بردیای دروغین، چگونه می‌شود برای یک ملت به الگو و قهرمان تبدیل شد (قهرمانان یک ملت) دید کاملاً به دلیل علاقه‌ای بود که در آن‌ها به دانستن تاریخ باشکوه کشور عزیزمان و مفاخر و مشاهیر این مرز و بوم دانست ایجاد شده بود. در راستای این طرح بطور غیر مستقیم در اعضای نونگاه دختر مرکز شورو اشتیاق به دانستن و تحقیق ایجاد شده بود و این را خانواده‌های اعضا که گاهی به مرکز می‌آمدند؛ اذعان می‌کردند؛ اما متاسفانه ابزاری برای سنجش میزان علاقه و اشتیاق اعضا وجود نداشت و نمی‌توان آن را بصورت کمی بیان نمود.

#### نتیجه گیری:

نتایج بدست آمده از اقدام پژوهی حاضر نشان میدهد که بی‌علاقگی اعضا دختر نونگاه به مفاخر و مشاهیر کشور عزیزمان ایران و نبودن آن‌ها در لیست اشخاصی که مورد علاقه‌ی آن بهترین عامل آن می‌توان به شناختن مفاخر و مشاهیر کشورمان و اهمیت و جایگاه آنان حتی در دنیا دانست. و

زمینه‌های تاریخی و معرفی مفاخر و مشاهیر  
۳- محدودیت مالی و منابع جهت بردن اعضا به اردو  
و بازدید از مکان‌های تاریخی در شهرهای همجوار  
منابع:

۱. حاجیانی، ابراهیم، «تحلیل جامعه‌شناسی هویت  
ملی در ایران و طرح چند فرضیه» فصلنامه‌ی  
مطالعات ملی، شماره ۵، ۱۳۷۹

۲. یوسفی، علی، «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها  
و چالش‌ها (میزگرد)»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی،  
شماره ۴، ۱۳۷۹

۳. فرج زاده، غلامعلی، «تجارب زیسته نوجوانان از  
نقش رسانه‌های سنتی و نوین در هویت ملی»،  
فصلنامه علمی مطالعات ملی، دوره ۲۴، شماره ۹۴،  
تیرماه ۱۴۰۲

۴. حیدری، عبدالحسین، گلشنی، مرتضی، «هویت  
ملی در کتب مطالعات اجتماعی ششم ابتدایی و  
هفتم متوسطه اول»، فصلنامه‌ی علمی مطالعات ملی،  
دوره ۲۳، شماره ۹۰، تیرماه ۱۴۰۱

۵. پرکی، سما، ناستی زایی، ناصر، «بررسی هویت  
ملی و مدرن دانش‌آموزان بلوچ شهر سراوان»،  
فصلنامه علمی مطالعات ملی، دوره ۱۲، شماره ۸۷،  
مهرماه ۱۴۰۰

۶. حامی کارگر، فاطمه، شیردل، الهام و همکاران،  
«هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک  
زندگی با هویت ملی دختران نوجوان شهرستان  
کرمان در سال ۱۳۹۸»، فصلنامه‌ی علمی مطالعات  
ملی، دوره ۲۲، شماره ۸۶، تیرماه ۱۴۰۰

۷. سایت پرتال جامع علوم انسانی  
ensani.ir/fa

با داشتن این امکان که گروهی از کودکان و نوجوانان  
کشور را در اختیار خود دارند باید با تلاشی مضاف  
برای رسیدن به این مهم گام بردارند و از فعالیت‌های  
مستقیم و غیر مستقیمی که به این منظور در اختیار  
آن‌ها است سهم خود را در ایجاد این هویت و  
همبستگی ملی سبب بقا و رشد کشور عزیزمان  
ایران است بهره ببرند.

خانواده‌های نیز باید با مدیریت و حساسیت بیشتری  
بر استفاده کودکان و نوجوانان خود از فضای مجازی  
و هر پلتفرم دیگری که مورد استفاده قرار می‌دهند  
و محتوای که می‌بینند و می‌شنوند نظارت و بررسی  
داشته باشند.

پیشنهادهایی به همکاران:

۱- غنی کردن بیشتر منابع کتاب‌ها موضوع  
تاریخی و معرفی مشاهیر و مفاخر متناسب برای تمام  
گروه‌های سنی مخاطب کانون؛ در کتاب خانه‌های  
کانون پرورش فکری

۲- تهیه فیلم‌های جذاب تاریخی و معرفی مشاهیر و  
مفاخر برای نمایش برای اعضا کتاب‌های کانون  
پرورش فکری

۳- تلاش برای کشف و اجرای روش‌های خلاقانه در  
اجرای این فعالیت‌های اسلامی

۴- بهره گرفتن از فعالیت‌های مورد علاقه اعضا  
چون مسابقه و بازی و سرگرمی، نمایش فیلم، بازدید  
از مکان‌های تاریخی، نجوم، نقد و گفتگو، کتابخوانی،  
کارگاه‌های ادبی و... در راستای معرفی مفاخر و  
مشاهیر کشور عزیزمان ایران

۵- تشویق و ترغیب به مطالعه کردن جهت شناخت  
بیشتر تاریخ با شکوه کشور خود

۶- مطالعه بیشتر همکاران در زمینه‌های مختلف  
جهت ارتباط بهتر و موثرتر با اعضا بویژه اعضای  
نونگاه و نوجوان

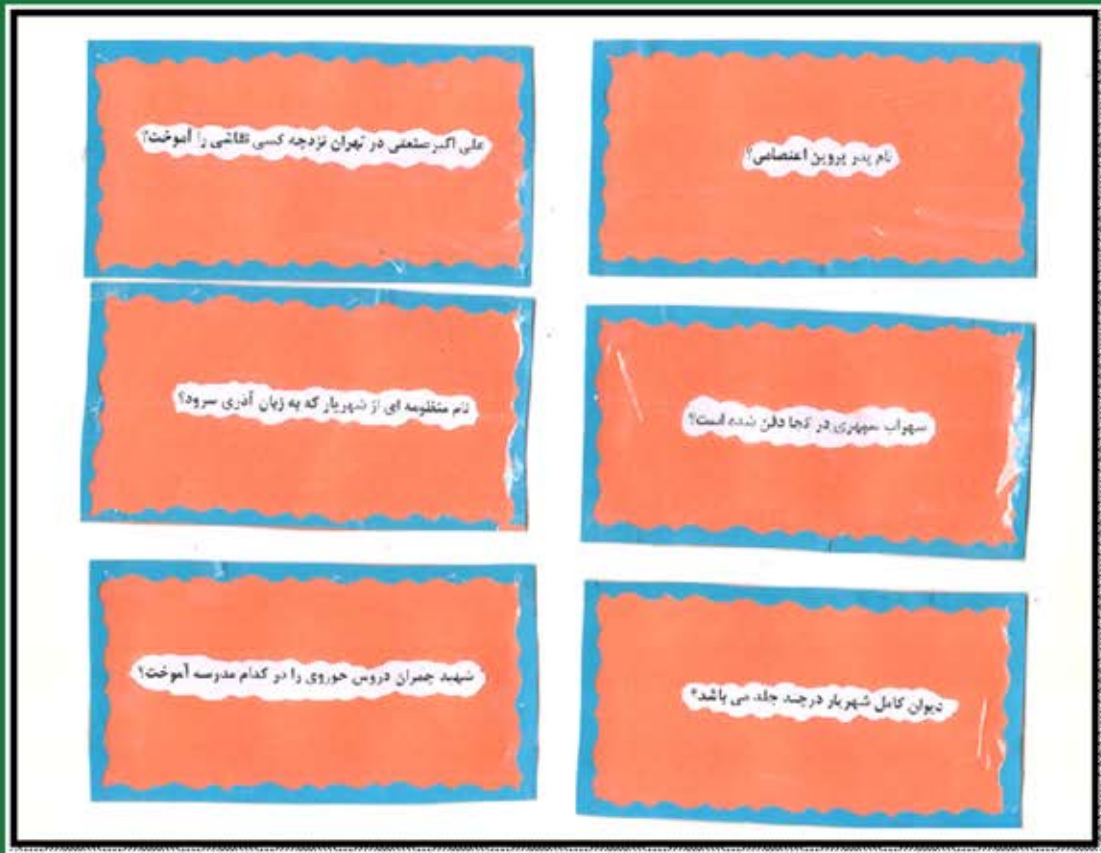
۷- شناخت روانی، جسمی، عاطفی و ذهنی دقیق از  
گروه مخاطب ما در کانون پرورش و اجرا و طراحی  
فعالیت‌ها براساس آن به جهت سهولت در رسیدن  
اهداف مورد نظر و لذت بردن اعضا از انجام فعالیت  
ها

محدودیت‌ها:

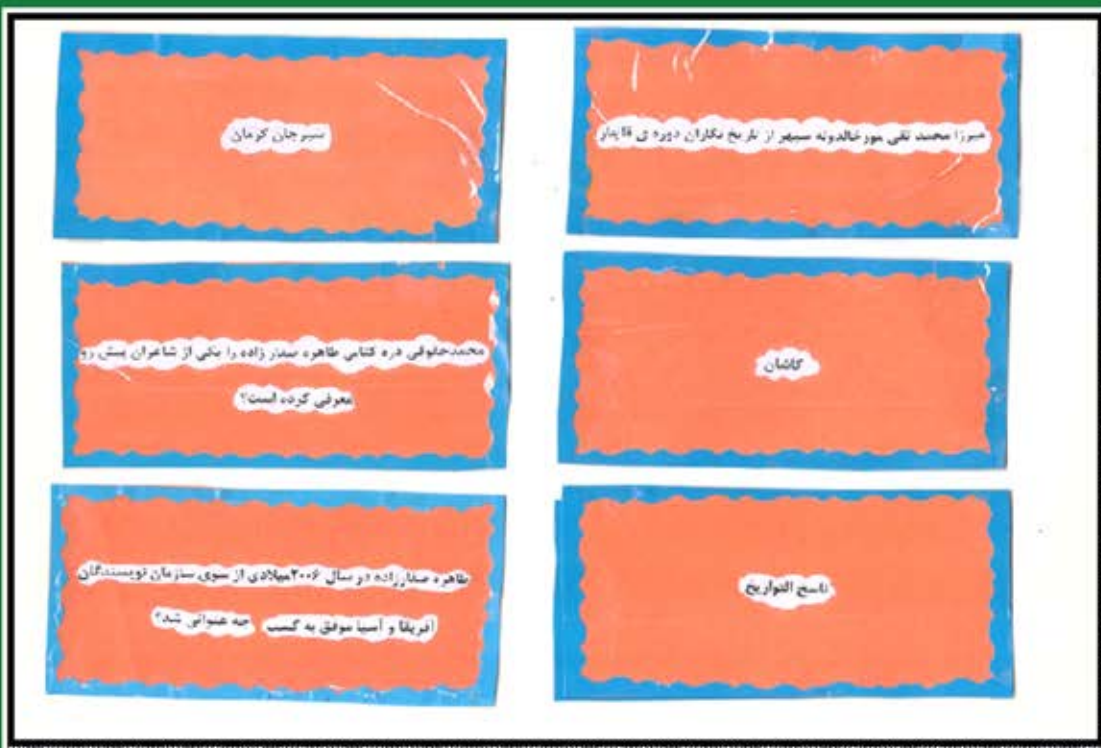
۱- کمبود منبع کتاب‌های مرکز در زمینه‌های  
تاریخی و معرفی مفاخر و مشاهیر

۲- کمبود فیلم‌های جذاب برای نمایش بریا اعضا در

### پیوست نمونه‌ای از کارتهای بازی حدس بزن کیه



### نمونه‌ای از کارتهای بازی حدس بزن کیه





## تابستان خود را چگونه گذراندید؟ از برنامه ریزی تا اجرا

مربی راهنما: فاطمه نعمتی سارخانلو  
محقق و اقدام پژوه: مارال شاهمرادی مقدم  
۱۴ ساله عضو نوجوان کارگاه پژوهش مرکز رامسر  
آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند، برابرند؟!...



چکیده

تا حالا چند بار خواسته‌اید مثل آدم‌های موفق زندگی کنید و آرزو مانده است؟ همه ما موفق هستیم وقتی یاد بگیریم که طبق شکل توانمندی و استعداد خودمان زندگی کنیم. زندگی ما انسان‌ها محدود است. اما با هدف و برنامه ریزی می‌توان زندگی را وسعت داد. این پژوهش که اقدام عملی بنده در فصل تابستان است یک تجربه نوجوانانه از هدف‌گذاری، انتخاب و برنامه ریزی روزانه برای رسیدن به خواسته‌هایم است و آن را به اشتراک گذاشتم. با مطالعه کتابها، بررسی زندگی افراد موفق در شبکه‌های اجتماعی، شرکت در کارگاه‌های خودآگاهی و استفاده از سایتها برای خودم برنامه ریزی نمودم و گام‌به‌گام اجرا با قوانین پارکینسون، ۸۰-۲۰، برنامه عملیاتی توانستم به نتایجی دست پیدا کنم. رضایت ناشی از اقدامات دوست‌داشتنی خودم جالب و مهیج بود. خیاطی، بافتنی، بدنسازی در کنار کارگاه‌های کانون، کانون زبان و سفرهای آخر هفته با خانواده. این‌ها خواسته‌هایی بود که برنامه ریزی و اجرا شد. برنامه یادگیری مهارت و علم که در کنار استراحت و تفریح بود. تابستانی که با شادی و در کنار خوش‌گذرانی‌های خانوادگی مهارت آموزی، علم آموزی به همراه داشت. برنامه می‌تواند ما را به فرد موفق تبدیل کند، فرد موفق‌تری که زندگی به سبک خودش و آن‌طور که دوست دارد را تجربه کرده باشد. زمانی که ما نوجوان هستیم و مسئولیت‌های ضروری، فوری و نگرانی مالی نداریم می‌توانیم زندگی موفق را یاد بگیریم. بزرگترین یافته ام این بود که به هر چه می‌خواهم می‌توانم برسیم؛ اگر بخواهم؛ برنامه ریزی کنم و عاشق هدفم باشم و نگران محدودیت‌ها نباشم.

واژه‌های کلیدی:

برنامه ریزی، هدف، برنامه عملیاتی، افراد موفق

مقدمه

انسان بی‌برنامه، انسان بی‌هدف است. سال‌هاست که از طریق کارگاه‌های خودشناسی و کافه‌کانون یاد گرفته‌ام که باید هدف و برنامه داشت. اگر قصد دارم در آینده زندگی را داشته باشم باید امروز برای آن فکر کنم. مثل پختن یک کیک خوشمزه که باید برای هدفم، مواد لازم، ساعت یا دما را در نظر بگیرم.

زندگی آدم‌ها مهم است و برنامه ریزی می‌تواند کمک کند هدف‌هایی را که برای خودمان تعیین کرده‌ایم به دست بیاوریم. البته بدون برنامه هم کارها پیش می‌رود. مثل زمان‌هایی که برای مادر حقوق دانم مهمان می‌آید. می‌توانی تلفن را برداری و بدون برنامه از مهمانی که دعوت نشده پذیرایی کنی.

امسال تابستان دچار بیماری پارکینسون شده‌ام. البته در کارگاه ایده‌پردازی قاعده پارکینسون که برنامه ریزی برای ۹۰ روز به صورت ۹۰ دقیقه در روز است را یاد گرفتم.

خانم نعمتی خواسته است هر کدام از اعضا از بین نظریه‌های مختلف برنامه ریزی و مدیریت زمان مثل اصل آرژینهاور، پارکینسون، اصل ۸۰-۲۰ و... انتخاب کنیم و تا کارگاه هفته آینده اجرا کنیم و ببینیم چه تغییری در زندگی ما ایجاد می‌شود. تابستان است و می‌خواهم به هدف‌هایی برسیم. البته برنامه ریزی نمودن برای رسیدن به یک هدف می‌تواند از برنامه کتبی تا برنامه‌های با هدفی کوچک در ذهن برای یک تصمیم کوچک روزمره باشد. از بین انواع برنامه ریزی‌ها از استراتژیک تا اضطراری که در کتاب مدیریت عمومی خوانده‌ام از برنامه ریزی عملیاتی

برای تحقق هدف‌های فصل تابستان در زندگی شخصی‌ام مفیدتر است.

اما هر چه بشود من مارال در برنامه‌ریزی به دنبال شادی ناشی از موفقیت و درست انجام دادن کارها بودم تا مقدار ساعت یا تعداد آثار و نتایجی که به دست می‌آید. شادی که از برنامه‌های انتخابی خودم، در ساعت‌های انتخابی خودم، برای اهداف دوست داشتنی خودم برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. آنچه انجام می‌دهم برای محک زدن خودم است. تا کجا می‌توانم تصمیم‌های خوب برای آینده‌ای که خودم می‌خواهم بگیرم. به قول خانم نعمتی نمی‌توان ترش‌تره خورد و در معده‌ام احساس کنم کباب خورده‌ام.

سوال

سوال اصلی:

چگونه می‌توان با برنامه‌ریزی عملیاتی به موفقیت شخصی رسید؟

سوالات فرعی:

✘ نوشتن هدف و انتخاب بین اهداف چگونه انجام می‌شود؟

✘ برنامه عملیاتی چگونه بر اساس هدف نوشته می‌شود؟

✘ چگونه می‌توان برنامه‌های نوشته شده را عملی کرد؟

فرضیه

✘ نوشتن برنامه مکتوبی که بتوانم انجام بدهم خود یک موفقیت است. پس باید بنویسم.

✘ هدف‌ها را بر اساس توانایی‌ها انتخاب می‌کنم.

✘ برنامه‌ریزی ماهانه و روزانه را بر اساس هدف می‌نویسم. فکر می‌کنم همه نوشته فقط یک پیش

بینی هستند.

✘ یک برنامه احتمالی می‌نویسم. به قول خانم نعمتی انعطاف داشته باشد که با برنامه‌های پیش آمده را به هم نریزد.

✘ برای عملی شدن باید تلاش کنم تا از آنچه در برنامه‌ها نیست جلوگیری کنم. مثل مادرم که برای سفر برنامه‌هایی دارد. یا وقتی خواهرم به خانه بر می‌گردد.

✘ مثل بازی لی‌لی باید گام‌به‌گام را بنویسم. تا ببینم کجا استپ کرده‌ام یا حرکتیم خوب بوده است.

واژه‌های کلیدی:

برنامه‌ریزی، هدف، برنامه عملیاتی، افراد موفق

مقدمه

انسان بی‌برنامه، انسان بی‌هدف است. سال‌هاست که از طریق کارگاه‌های خودشناسی و کافه‌کانون یاد گرفته‌ام که باید هدف و برنااهداف

هدف اصلی: رسیدن به هدف از طریق برنامه‌ریزی عملیاتی

اهداف فرعی:

✘ یادگیری هدف‌گذاری و نوشتن برنامه عملیاتی

✘ رسیدن به هدف‌ها با تعیین برنامه روزانه

✘ تابستان پر محتوا از طریق انتخاب‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که نموده‌ام.

ضرورت

همه ما نوجوانان بهترین‌ها را در ذهنمان تصور می‌کنیم؛ جای خواننده محبوبمان یا دانشمند یا بازیگر یا فوتبالیست. من فکر می‌کنم ما می‌توانیم جای خودمان همه آنچه دوست داریم به دست بیاوریم. اما هیچ موفقیتی بدون تلاش و هدف امکان پذیر نیست و هدف هم باید برنامه‌ریزی داشته باشد.

بهترین زمان برای تمرین رسیدن به اهداف و تبدیل آرزوها به واقعیت دوران نوجوانی هست. من منابع کافی دارم و حمایت خانواده و مربیان با من است. زمانی از زندگی که من در مقابل خودم مسئولم و بار دیگری بر دوشم نیست. بهترین زمان برای برنامه‌ریزی اهداف آینده‌ام و آنچه می‌خواهم به آن برسیم است.

پیشینه

درباره برنامه‌ریزی هزاران صفحه نوشته شده است. در منابع خارجی هم بسیار درباره آن بحث شده است. اما جالب است که برنامه زندگی شخصی افراد موفق به صورت مقاله یا پژوهش نوشته نشده است.

آنچه یاد گرفتم بیشتر درباره مدیریت زمان و برنامه‌ریزی برای سازمان‌ها مطلب نوشته است. انواع برنامه‌ریزی به برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه‌ریزی تاکتیکی، برنامه‌ریزی عملیاتی و برنامه‌ریزی

معتقد است که با برنامه‌ریزی روزانه می‌توانید سطح هوشیاری، نشاط و تمرکز خود را در طول روز بالا ببرید. به عقیده او، زمان ایده‌آل برای برنامه‌ریزی روزانه، شب قبل است.

برای آن می‌گویند ساعات بعد از بیدار شدن از خواب، مهم‌ترین ساعات روز هستند زیرا بر تمام اتفاقات بعدی روز تاثیر می‌گذارند. او توصیه می‌کند عادات مثبت صبحگاهی برای خودتان ایجاد کنید تا ذهن‌تان برای روزی که در پیش دارید آماده شود. به عنوان مثال، هر روز بعد از بیدار شدن از خواب به مدت ۳۰ تا ۶۰ دقیقه یک مطلب مثبت، سازنده، نشاط‌آور و الهام‌بخش بخوانید؛ این کار باعث می‌شود در طول روز خلاق‌تر باشید، استرس‌تان کمتر باشد و بهره‌وری بیشتری داشته باشید. حتی انعطاف‌پذیری‌تان نیز بالاتر می‌رود و در مواجهه با اتفاقات غیرمنتظره روز، واکنش موثرتری نشان خواهید داد.

علاوه بر این، او بر ورزش صبحگاهی تاکید می‌کند و بر این باور است که شرایط فیزیکی شما را تقویت می‌کند. یکی دیگر از عادات صبحگاهی عالی، خوردن آب بیشتر و غذاهای مغذی سالم مانند میوه‌ها، سبزیجات و محصولات با غلات کامل و پروتئین بالا است. در عین حال، از غذاهای چرب، شیرین و دارای کربوهیدرات بالا اجتناب کنید زیرا شما را خسته، خواب‌آلود و سنگین می‌کند. به یاد داشته باشید که اولین وعده غذایی صبح، شما را برای کل روز تنظیم می‌کند و انرژی‌تان را بالا می‌برد. لیستی از تمام کارهایی که باید در روز انجام دهید را تهیه و کارهایی که اولویت دارند را مشخص کنید.

دارن هاردی نویسنده آمریکایی و سخنران انگیزشی است. در این قسمت، به مراحل مدیریت زمان و نحوه برنامه‌ریزی روزانه که توسط دارن هاردی پیشنهاد شده است، می‌پردازیم:

• اهداف‌تان را به‌طور دقیق تعیین کنید. اهداف باید مشخص، قابل اندازه‌گیری، قابل دستیابی، مرتبط و زمان‌بندی شده، باشند تا دستیابی به آن‌ها امکان‌پذیر باشد.

• برای افزایش کارایی‌تان در طول روز، از ابزارهای مدیریت زمان و برنامه‌ریزی استفاده کنید مانند اپلیکیشن‌ها، دفترهای پلنر، جدول‌های برنامه‌ریزی ... و

• کارهایتان را اولویت‌بندی کنید.

• در صورت امکان برای انجام کارها زمان تعیین کنید.

اضطراری تقسیم می‌شود. هرکدام از این برنامه‌ریزی‌ها شیوه‌هایی برای انجام و کاربرد خاصی بر اساس اهداف دارند. اما مقاله‌ای برای بررسی نتایج نداشتیم.

مهمترین مطالبی که در فیش‌هایی نوشته‌ام. تام کرولی نویسنده کتاب عادت‌های تغییر دهنده تا زندگی‌ات تغییر کند می‌گوید: «عادت‌های روزانه شما مشخص می‌کند که شما در آینده ثروتمند، فقیر یا متوسط الحال می‌شوید.» او پروژه عمل کردن را بهتر از کارهای روزانه بی‌هدف می‌داند. من هم تصمیم گرفتم تابستان را یک پروژه در نظر بگیرم. و ۸۰ درصد انرژی تابستان را برای ۲۰ درصد کارهای مهم بگذارم. کارهایی که در برنامه‌ها نوشته‌ام. از نکته‌های مهم و تاثیرگذار همین مقاله این جمله بود: «یادتان باشد که برای انجام کارهای بزرگ باید کارهای کوچک‌تر و کم‌اهمیت را قربانی کنید. به این فکر کنید که اگر کارهای یکی دو ساعته را انجام ندهید، در بلندمدت چه می‌شود؟ کار بی‌اهمیت را خوب هم انجام بدهی باز هم بی‌اهمیت است.» و فکر کردم باید به جای تابستان باری به هر جهت به سمت موفقیت‌هایی که دوست دارم پیش بروم.

در سایت پتانسیل درباره زندگی افراد موفق نکته‌ای هست که آن را به اشتراک می‌گذارم. «ایلان ماسک»، مدیرعامل تسلا، راز موفقیت خود را داشتن یک روتین سخت و با دقت برنامه‌ریزی شده در زندگی می‌داند. به گفته خودش، او از هر دقیقه از روزش نهایت استفاده را می‌کند. او شب‌ها ۶ ساعت می‌خوابد و روز خود را از ساعت ۷ صبح شروع می‌کند. معمولاً صبحانه نمی‌خورد اما هر روز پس از بیدار شدن دوش می‌گیرد و به نظرش این کار به او کمک می‌کند ایده‌های عالی در ذهنش جرقه بزنند. ایلان روز خود را با تکنیک پومودورو<sup>۱</sup> می‌گذراند. به گفته ماسک، این تکنیک به او اجازه می‌دهد تا در یک زمان مشخص روی یک کار تمرکز کند؛ این روش، کارایی او را بهبود می‌بخشد.

بیل گیتس بنیان‌گذار مایکروسافت و وارن بافت، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در جهان و رئیس برکشایر هاتاوی به سبک زندگی ساده و منضبطی که دارد، مشهور است. برای آن تریسی، کارآفرین و نویسنده آمریکایی در حوزه‌های موفقیت و کسب و کار است. او

۱. کرولی، تام برنامه‌ریزی روزانه موفق‌ترین افراد دنیا، تهران، مجموعه آموزشی بهار نو

۲. تکنیک پومودورو؛ زمان روی ۲۵ دقیقه تنظیم می‌شود. هر ۲۵ دقیقه ۵ دقیقه استراحت بعد از ۵ مرتبه تکرار می‌شود.

شایستگی‌های فردی دانسته می‌شود که به صورت خودخواهانه و هوشیارانه، فرد نقشه‌ریزی می‌کند تا به دستاوردها یا نتایج خاصی در آینده برسد. این نقشه‌ریزی عمدتاً با تعیین اهداف مشخص، تدوین برنامه‌ها و اجرای اقدامات متعدد صورت می‌پذیرد.

این دو تعریف مورد نظرم بود. اما با این جمله هم موافق هستم که هدف جز انتخاب بین الویتهای زندگی و طی مسیر برای رسیدن به یک خواسته است اما با سه سوال مهم روبه رو هستیم:

- من کی هستم؟
- من به کجا تعلق دارم؟
- چه زمانی احساس رضایت می‌کنم؟

برنامه‌ریزی چیست؟

در منابع مختلفی خوانده‌ام که برنامه‌ریزی تعیین راه عملی برای تغییر در وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب و هدف است. در واقع بر اساس محتوا و موضوعی که مورد نظر فرد می‌باشد برنامه‌ریزی برای فرایند عملیاتی انجام می‌شود. فرایند عملیاتی گام‌به‌گام‌های رسیدن به هدف بر طبق برنامه نوشته شده است. موضوع اصلی من استفاده از اوقات فراغت تابستان برای رسیدن به هدف‌هایم و پر محتوا کردن زندگی هست. در کتاب رفتار سازمانی ریکی گریفین، برنامه‌ریزی را تعیین اهداف سازمان و تصمیم‌گیری برای دستیابی بهتر به آنها تعریف می‌کند.

از نظر هارت «برنامه‌ریزی تعیین یک خط عملی از پیش است که باید نتایج مشخصی داشته باشد» و کانتز و اودانل برنامه‌ریزی را چنین تعریف می‌کنند: «انتخاب از میان گزینه‌های دیگر برای دوره‌های بعدی و انجام اقدامات برای کل شرکت و هر بخش آن.» به قول ام.اف. یارلی، «برنامه‌ریزی از قبل، تصمیم‌گیری در این مورد است که چه کاری باید انجام شود. این روند شامل تصمیم‌گیری و انتخاب اهداف، سیاست‌ها، روش‌ها و برنامه‌ها از میان گزینه‌های دیگر است.»

فکر می‌کنم برنامه‌ریزی کردن خواستن برای خوشحال بودن هست. خودم تصمیم می‌گیرم چه اتفاقی بیفتد که راضی باشم. دوست دارم حالا که خودم را کمی می‌شناسم بیشتر برای آینده‌ام تصمیم بگیرم. برای آنچه می‌خواهم فکر کنم و وقت بگذارم.

• اشتباهات و اتفاقات پیش‌بینی نشده را به‌طور هوشمندانه مدیریت کنید. از تجربیات‌تان درس بگیرید و آن‌ها را به‌عنوان فرصتی برای رشد و بهبود در نظر بگیرید.

• در طول روز به برنامه خود نگاه کنید و عملکردتان را ارزیابی کنید تا اگر نیاز به تغییرات بیشتری دارد، آن را اعمال کنید.»

مطالعات در منابع انگلیسی با کمک گوگل ترنسلیت هم جملات و راهکارهای مشابهی از افراد را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و اقدام عملی استفاده شده است. کتاب‌ها بیشتر درباره سازمان‌ها و مدیریت می‌باشد. خانم نعمتی کتاب مدیریت عمومی دکتر الوانی را پیشنهاد کردند. از سایت‌های مختلف مانند علوم انسانی جستجو شد. از افراد موفق‌تری مانند دکتر میرکازمی که مربی خلاقیت جهانی هستند و سخنرانی ایشان در کافه‌کانون استفاده کردم.

بیشتر فرصت قبل از شروع پژوهش به بررسی خودم و افراد موفق گذشت و با دیدن فیلم و مصاحبه سعی کردم در پژوهش استفاده کنم.

بحث و نتیجه‌گیری

تعریفی از هدف

در سایت نو آفرین از قول دالایی لاما آمده است: «من معتقدم هدف واقعی زندگی، شاد بودن است. هسته‌ی وجودی ما قناعت است و من با توجه به تجربه‌ی ناچیزم دریافته‌ام، هر چه بیشتر به خوشحالی دیگران توجه کنیم، احساس خوب‌تری درون‌مان ایجاد می‌شود. حس محبت به دیگران خودبه‌خود ذهن را آرام می‌کند و ترس و ناامنی از شما دور می‌شود و این احساس به شما قدرت می‌دهد با هر گونه مانعی که با آن روبه‌رو می‌شوید، مقابله کنید و این منشأ اصلی موفقیت در زندگی است، چون ما تنها موجودات روی زمین نیستیم. این اشتباه است که همه‌ی آرزوهای‌مان در شادمانی خودمان خلاصه شود. البته نباید بیرون از خودمان به دنبال خوشحالی باشیم، این رمز گسترش آرامش درونی است.»

هدف در روانشناسی به عنوان یک وضعیت ذهنی و

برنامه‌ریزی عملیاتی

برنامه‌ریزی عملیاتی در واقع دانه‌های یک تسبیح است که دور یک نخ، که هدف باشد، پیچیده شده است و شما با هر دانه تسبیح یک گام به سمت هدف برداشته‌اید.

از پرسش‌هایی که در کارگاه پرسش‌گری یاد گرفته‌ام برای نوشتن هدف و برنامه استفاده کردم. ابتدا فکر کردم چرا چگونه چه زمانی - کجا - چه کسی - چه چیزی درباره هدف می‌خواهم و بعد با همین سوال‌ها برای برنامه‌هایم فکر کردم. ابتدای تابستان و من هدف‌های مختلفی دارم. تمام تابستان فرصت هست تا به هدف‌هایم برسم. برنامه‌های عملیاتی همه در مورد فعالیت‌های منظمی هستند که باید هر روز اتفاق بیفتد تا از اجرای برنامه‌های تاکتیکی اطمینان حاصل شود.

گام‌های برنامه‌ریزی من

بر طبق مطالعاتم در زندگی افراد موفق و کسانی که سبک زندگی مشخصی داشتند برای خودم گام‌هایی را نوشتم. گام‌هایی که بین شناخت خودم بر اساس کارگاه خودشناسی، مهارت‌های که می‌دانستم یا می‌خواستم کسب کنم و آنچه باعث رضایتم از خود در پایان تابستان می‌شد نوشتم.

الف: شناسایی توانمندیها و خواستهها یا نیازهای شخصی

من دختری هستم با ۱۵ سال سن. از سال ۱۳۹۷ عضو کانون بوده‌ام. بیشترین کارگاه‌های زندگی با موضوع خودشناسی، شناخت انسان در زندگی و چگونه زندگی کردن گذشته است. گاهی تفکر انتقادی، ایده پردازی و کارآفرینی و امسال در کارگاه خودآگاهی گذشته است.

ابتدای تابستان تصمیم گرفتم انسان زندگی خودم باشم. انسان تنبلی هستم که یا شروع نمی‌کنم یا وسط کار رها می‌کنم و یا دنبال بهان‌های برای انجام ندادن هستم.

خودم را مجبور کردم تا آنچه می‌خواهم بنویسم. چون می‌دانستم اگر بنویسم و جوان درد می‌گیرم و باید انجام دهم. تا زمانی که فکر می‌کردم تعهد نداشتم. چون بطالت را دوست داشتم دنبال کاری بودم که زمان بگذرد. از طرف دیگر خواسته‌های زیادی داشتم که بدون برنامه نمی‌شد. و چاه خودم را کندم.

لیستی از خواسته‌ها تهیه کردم. با طناب قوانین ایده‌پردازی کارگاه خانم نعمتی رفتم داخل چاه. فکر کردم خواسته‌هایی می‌توانند اولویت‌های من برای هدف‌های زندگی آینده‌ام باشند. نیازها همیشه هستند مثل نیاز به خواب، غذا خوردن و سلامتی و... اما خواسته‌های من آنچه هست که از خودم با توجه به شرایطم می‌خواهم.

احساس خود ارزشمندی، یعنی پذیرفتن شایستگی‌های خود، یعنی داشتن احساس رضایت و خشنودی نسبت به استعدادها و توانایی‌های خود. زمانی که کودک احساس می‌کند صلاحیت و لیاقت انجام کارهای گوناگون را دارد، اعتماد به نفس او افزایش می‌یابد و قادر خواهد بود با اعتماد و ایمانی راسخ تر به اهداف و برنامه‌هایش برسد. کودک برای اینکه بتواند در آینده اداره امور مختلف خود را به عهده بگیرند بهتر است از همان اوان خردسالی مهارت‌ها و توانایی‌های گوناگونشان را پرورش دهند تا بتوانند به حس خود ارزشمندی و کفایت برسند (فالون، ۲۰۰۳)

ب: تعیین اهداف

در این بخش هدف‌های زیادی که داشتم نوشتم. لیست جالبی شد. برای نوشتن از روش SMART که در کارگاه کافه‌کانون یاد گرفته‌ام استفاده می‌کنم. اسمارت شیوه‌ای هست که می‌توانیم امکان‌پذیر بودن هدف‌ها، مشخص بودن، مرتبط بودن با هدف‌های زندگی مان و زمان را تعیین می‌کند.

۱- هر آنچه دوست دارم جز هدف‌های من باشد.

☒ ورزش بدنسازی

☒ خیاطی مقدماتی

☒ بافتنی با کاموا

☒ کلاس زبان

☒ کارگاه‌های عمومی کانون پرورش فکری

☒ بیرون رفتن با دوستان

☒ کارگاه تئاتر

☒ نقاشی روی پارچه

☒ دوره شنای حرفه‌ای

۲- انتخاب بین اهدافی که دوست دارم

☒ ورزش بدنسازی

☒ خیاطی مقدماتی

☒ بافتنی با کاموا

☒ کلاس زبان

نوشتن هدفها به نظر می‌رسد مثل حرف زدن و ادعا کردن راحت باشد اما در این مرحله متوجه سخت بودن اقدام شدم. به قول خانم نعمتی «عمل مقدس». حالا باید برای هر هدف گام‌های برای رسیدن تعیین کنم.

د: باز هم باید در اهدافم و گام‌های اولویت‌دار بررسی انجام دهم.

بعضی از اهداف بایدی بودند. مثل کانون زبان، باشگاه ورزشی، بیلاقرفتن‌های آخر هفته و کانون پرورش فکری که ساعت ورود و خروج مشخص داشتند و امکان تغییر نبود. بعضی زمان‌ها برای خودم بود و می‌توانستم برنامه‌ریزی منعطفی داشته باشم. از جدول بعضی از برنامه را حذف کردم تا برنامه منعطف باشد: «هر چه پیش آید خوش آید.» از برنامه راضی هستم. فکر می‌کنم بتوانم انجام دهم. برنامه هم شامل اهدافم، هم‌زمان است و نیاز به برنامه مالی ندارم چون مادرم قول مساعد داده است هرچند نیاز مالی خاصی جز هزینه کارگاه‌ها که توافق کرده‌ایم و هزینه اولیه هنری که بیشترش در خانه هست ندارم.

| شنبه        | یکشنبه      | دوشنبه      | سه‌شنبه     | چهارشنبه    | پنجشنبه     | جمعه        |
|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|
| ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  |
| ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ |
| ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ |
| ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ |
| ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ |
| ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ |
| ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ |
| ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ |
| ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ |
| ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ |

کارگاه‌های عمومی کانون پرورش فکری از بین هدفها بعضی از کارگاه‌ها مانند نقاشی روی پارچه، دوره شنای حرفه‌ای و کارگاه تئاتر شرکت نکردم. تئاتر کانون در برنامه عمومی جایگزین کارگاه تخصصی شد. بیرون رفتن با دوستانم که زمان مشخصی به دلیل هم‌زمانی با کلاس‌های دیگر همگی ما داشت حذف شد و تفریح با خانواده در آخر هفته جایگزین شد.

۳- زمانبندی رسیدن به هدفها

کارگاه کانون پرورش فکری روزهای زوج ساعت ۱۱ تا ۱۴

روزهای یکشنبه و سه شنبه ساعت ۷ تا ۸:۳۰

بدنسازي روزهای یکشنبه و سه شنبه ساعت ۳ تا ۴:۳۰

بافتنی و خیاطی سایر ساعتها

تفریح با خانواده که آخر هفته برنامه‌ریزی شد.

ج: چگونه به هدفهایم برسم؟

نیاز به یک برنامه‌ریزی مکتوب داشتم. مثل روزهایی که مدرسه بودم یک جدول نوشتم. ابتدا مثل قانون پارکینسون چند ۹۰ دقیقه که زمان خوب برای کار خوب بود را جدا کردم.

منابعی برای هزینه‌ها نیاز بود. از طرف دیگر به هماهنگی با خانواده برای رفت و برگشت یا هزینه اسنپ بود همچنین هزینه کلاس‌ها و لوازمی برای یادگیری خیاطی و بافتنی مورد نیاز بود. با مادرم صحبت کردم مشکلی برای دو دغدغه رفت و برگشت و خرید لوازم خیاطی نبود. مادرم اهل خیاطی هستند و بسیاری لوازم موجود بود.

جدول برنامه‌های من:



| شنبه        | یکشنبه      | دوشنبه      | سه‌شنبه     | چهارشنبه    | پنجشنبه     | جمعه        |
|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|-------------|
| ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  | ۹:۰۰-۱۱:۰۰  |
| ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ | ۱۱:۰۰-۱۲:۰۰ |
| ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ | ۱۲:۰۰-۱۳:۰۰ |
| ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ | ۱۳:۰۰-۱۴:۰۰ |
| ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ | ۱۴:۰۰-۱۵:۰۰ |
| ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ | ۱۵:۰۰-۱۶:۰۰ |
| ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ | ۱۶:۰۰-۱۷:۰۰ |
| ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ | ۱۷:۰۰-۱۸:۰۰ |
| ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ | ۱۸:۰۰-۱۹:۰۰ |
| ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ | ۱۹:۰۰-۲۰:۰۰ |



در اتاقم نام اشخاص موفق را نصب کردم. برای این که مزاحمت‌هایی مثل پرسش‌های مهمانان و دخالت‌های افراد نباشد فقط حروف اول آن‌ها را نوشتم و هر روز بعد یک روز به کارهایی که آن‌ها کرده‌اند و خودم چقدر پیش رفته‌ام فکر کردم.

ه: اقدامات روزانه و هفتگی

برنامه‌ها بر اساس جدول پیش رفت. کارهایی دیگری هم از طرف کارگاه کاردستی مفهومی خانم نعمتی اضافه شد. کاردستی‌ها در خانه انجام می‌شد. نیاز به ساخت پاپی‌ماشه، برش و رنگ بود که کارهای کوچکتر را در خانه انجام دادم.

با توجه به شاغل بودن مادرم و کارگاه‌های آموزشی که شرکت می‌کردم آشپزی و خیاطی را به عنوان تفریح با موسیقی همراه کردم. موسیقی با زبان انگلیسی فرصت خوبی برای تقویت دایره لغاتم بود. در حین آشپزی به کتاب صوتی گوش کردم.

ارزیابی دوره‌ای از یک ماه

آیا برنامه‌ها با هدف مطابقت دارد؟ آیا برنامه‌ها با زندگی خانوادگی در تضاد نیست؟ آیا به اندازه کافی انعطاف‌پذیر بوده است؟ آیا مشتاق رفتن در همین مسیر و برنامه‌ها هستید؟ موانع کدام است؟

هنگامی که تشخیص دادید چه چیزی اشتباه رخ داده است، می‌توانید تغییرات موثری ایجاد کنید. در برنامه زندگی خود تجدید نظر کنید و در صورت نیاز آن را اصلاح کنید.

چک لیست نوشته‌ام و کارها و زمان اجرای آن را تیک می‌زنم. برنامه‌ها به خوبی پیش می‌رود. بخش منعطف کمک می‌کند تا در صورت عقب بودن از بعضی برنامه‌ها جبران کنم. برنامه‌های کانون فعالیت‌هایی هستند که بخشی باید در خانه انجام شود. مثل کاردستی و کنش‌های اجتماعی کارگاه خانم نعمتی. قرار شد بر اساس نگرش اجتماعی که در کارگاه بحث و گفتگو درباره آن صحبت می‌کنیم کاردستی بسازیم. مثل محرم و نگاه یک دختر به رویدادهای محرم، نگاه به زندگی کودکان و آسیب‌های اجتماعی.

هر ماه یک فیش ارزیابی نوشته شد. با خانم نعمتی بررسی کردیم و فکر می‌کنم خیلی خوب پیش می‌روم. هم خانواده از کمک به مادر شاغلم خوشحال هستند هم من از در کنار خانواده بودن در آخر هفته‌های ییلاقی. به امتحان زبان نزدیک می‌شوم. کلمات بسیاری با نوشتن بر در و دیوار یاد گرفته‌ام. کتاب‌های خوبی مثل کتاب‌های آقای شاه آبادی در تابستان خوانده‌ام و نقد نوشته‌ام. آنچه در کارگاه معرفی و نقد کتاب خانم نعمتی یاد گرفته‌ام



کنم نتایج آن خودم را امیدوار و شگفتزده می‌کند. به ده سال آینده نگاه می‌کنم که چه اتفاق‌های جالبی قرار است تجربه کنم.

برنامه‌ها قابل دسترسی بود. مناسب با مهارت فکری، هنری یا بدنی خودم بود. نقطه قوت برنامه دوست داشتن و پذیرفتن خودم بود. کارهایی که خود دوست داشتم انجام دادم.

از نتایج همراهی والدین و خانواده بود. برنامه‌ها هم در هزینه و همراهی نیاز به کمک والدینم داشت. مادرم با تمام مشغله در وکالت، در خیاطی و کارگاه رفتن کمک کرد.

به عنوان یک نوجوان تجربه خوبی کنار کارگاه خودآگاهی کانون داشتم و آن آگاهانه زندگی کردن بود.

تبدیل به فیلم شده‌اند. کاردستی‌های کنش اجتماعی فوق‌العاده و راضی کننده هستند.

نیاز به دقت در مردم و جامعه دارم تا تجربیات بیشتری داشته باشم. نگاهم به کودکی‌ام، زندگی کردن و آسیب‌ها تغییر کرده است. برنامه منظم و اجرای آن هر چقدر سخت باشد، اگر رویای اشتباهی را هدف بگیرم تمام این تلاش‌ها فقط مرا سریع‌تر به هدف اشتباه می‌رساند. سال قبل در همین زمان بدون هدف فقط وقت تلف کردم و حالا گام‌های ماه‌های برای رسیدن به هدف برداشته‌ام و این امیدوار کننده است.



#### نتایج

تابستان امسال، تابستان سختی بود. هر سال تابستان به هر طرف که باد می‌وزید می‌رفتم. فرصت زیادی را با دوستانم خوشگذرانی کردم. اما امسال سخت بودن به دلیل عادت نداشتن به هدف و برنامه بود. به جای هر کاری و هر وقت، برنامه و هدفی در نظر گرفته شد. که می‌خواستم طبق برنامه پیش بروم. اما لذت یادگرفتن بر طبق برنامه‌های خودم لذتی بود که با هیچ برنامه‌ای قابل مقایسه نبود. جمع کردن کل خواسته‌ها در یک جدول بسیار کمک‌کننده است. می‌توانستم کل تابستان را ببینم. و آینده بعد از این برنامه خیلی زیبا و هیجان‌انگیز بود. وقتی که خانم نعمتی برنامه‌سختم را دیدند و توصیه به ساعت‌های منعطف کردند، همه‌ی برنامه بهتر شد. حتی در برنامه منعطف، یک برنامه دوست‌داشتنی مثل کتاب خواندن یا موسیقی یا خواب اضافه شده بود.

در کتاب قدرت عادت چارلز داهیگ یک سوال آگاهانه هست که در کارگاه بحث و گفتگو راجع به آن صحبت کرده‌ایم: چرایی کارهایی که انجام می‌دهیم. حالا من دلیل کارهایی را که هدف قرار دادم و دلیل برای رسیدن به آن‌ها و برنامه‌ریزی و زمان بندی برای رسیدن به آن‌ها می‌دانم. یاد گرفتم اگر هدف‌های درستی که مناسب من است انتخاب

#### منابع:

- الوانی، سید مهدی، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.
- برنامه‌ریزی افراد موفق چگونه است؟ (۱۴۰۳)، سایت پتانسیل
- یگانگی، سید کامران؛ سلیمی، علیرضا (۱۴۰۲)، مروری بر مفهوم کاربرد پژوهش عملیاتی مدیریت، پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری
- منابع مختلف از سایت‌ها که از هر کدام فیش نویسی کردم و به خاطر ندارم.



مرضیہ آقا جان کردی  
مربی ادبی مراکز فرهنگی هنری کتالم و نشتارود

«من دوست دارم باران نیارد»

باران که بارید  
یک ابر کم شد  
یک قطره خندید  
یک شاخه خم شد

باران که بارید  
یک برگ افتاد  
یک گل تکان خورد  
عطری به من داد

توی خیابان  
باران که بارید  
بازار گم شد  
یک گربه نالید

من دوست دارم  
باران نیارد  
چون چتر بابا  
سوراخ دارد



ماه تینا خادمی، ۱۵ ساله  
مرکز فرهنگی هنری قائمشهر  
مربی: فائزه رسکتی

هی شعر می نویسم و شاعر نمی شوم  
هی کوله روی دوش و.. مسافر نمی شوم

لبخند می زنم وسط بغض های تلخ  
با اشک توی آینه ظاهر نمی شوم

خانم اجازه! منزوی ام من برای شعر  
در زنگ اجتماعی حاضر نمی شوم

بعد از هزار سال که شعرم عتیقه شد  
یک شاعرم و حیف... معاصر نمی شوم





## تحلیل نقاشی : من و عروسکم

آمده قاسم پژاد  
مربی هنری مرکز فرهنگی هنری قائمشهر



نام عضو: النا اوصیاء  
سن عضو: ۸ ساله  
تکنیک: مداد رنگی

### شرح اثر:

موضوعی که برای نقاشی انتخاب شده است مناسب با سن کودک در نظر گرفته شد. به همین خاطر کودک موضوع نقاشی را به خوبی درک کرده است و فضای پر از رنگ و شلوغی که ایجاد کرده است نشان دهنده برقراری ارتباط کودک با موضوع بوده است. کودک تا حدودی رنگهای گرم و سرد را می شناسد این موضوع را از ترکیب و قرارگیری رنگهای مختلف در صفحه می توان دریافت کرد. همچنین از فضای صفحه به خوبی استفاده شده و تقریباً از رنگها خوب استفاده کرده است. در تحلیل این اثر می توان این نکته را دریافت کرد که کودک آنقدر در دنیای واقعی با عروسکهای خود بازی می کند، دوستشان دارد و شاید با آنها همذات پنداری می کند که حتی خودش را نیز شبیه یکی از عروسکهای مورد علاقه اش کشیده است.





## تحلیل خوشنویسی

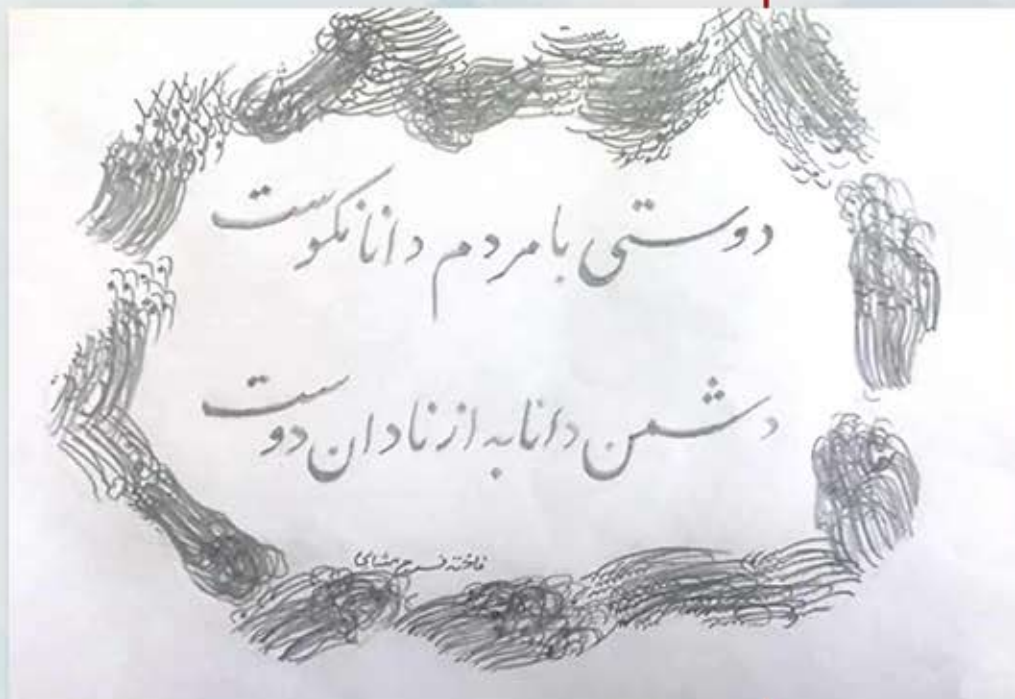
ساره اسماعیلی  
مربی هنری مرکز فرهنگی هنری کتالم و ساداتشهر



نام عضو: فاخته فرج مشایی  
سن عضو: ۱۲ ساله  
تکنیک: ضخیم نویسی با مداد تحریری

### شرح اثر:

هدف: آشنایی با نقاط قوت و ضعف حروف و اتصالات در نستعلیق و رعایت سواد و بیاض در سطر نویسی  
روش اجرا: بعد از تمرین از روی سرمشق و رفع اشکال عضو فعال خوشنویسی، دو سطر از اشعار گران بهای  
سعدی را با مدادی که نوک آن ضخیم تراشیده شده، با دقت بر اجرای ضخامت و نازکی حروف و رعایت  
مناسب اتصالات تحریر نموده است. در پایان با تکرار سیاه‌مشق گونه نوشته خویش را صفحه آرای کرده  
است.





## تحلیل: سفالگری

صغری خلیل‌نژاد  
مربی هنری مرکز فرهنگی هنری کیاسر



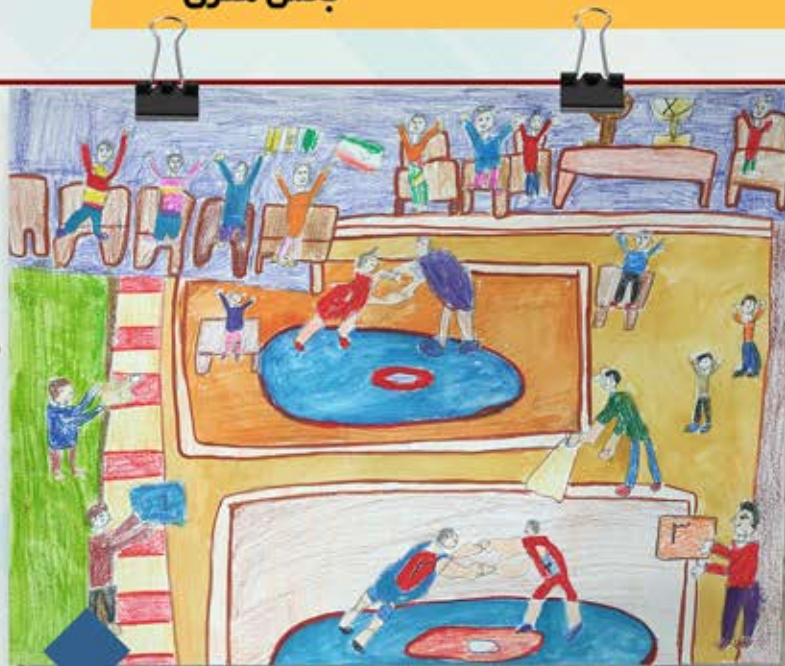
نام عضو: سید امیر مهدی جبارزاده  
سن عضو: ۱۱ ساله  
تکنیک: سفالگری

### شرح اثر:

ساخت این اثر مرحله به مرحله اجرا شده است. ابتدا توده‌ای از گل برای بدن و توده‌ای برای سر در نظر گرفته شد. سپس دست‌ها و پاها به روش فیتله‌ای اضافه و به بدنه اصلی متصل شد. برای ساختن پا، عضو دچار چالش شد. پیشنهاد شد برای درک بهتر طرز نشستن روباه، تصاویر مختلفی از روباه‌های نشسته توسط عضو بررسی شود. نتیجه کار از نظر درک آناتومی، قابل قبول است.

برای سبیل روباه، عضو خلاقانه از گیاه‌های خشک حیاط مرکز بهره برد. بافت پوست و چشم‌ها با سوزن ته گرد پرداخت شد. این اثر متناسب با سن عضو است. از نظر فرم کلی و حالت دم می‌توان گفت فرم خلاقانه‌ای دارد. استفاده خلاقانه از گیاه‌های خشک و پرداخت‌های روی پوست روباه نشان از اشتیاق و دقت عضو بوده که در کار نیز دیده می‌شود.





اعلی خطابی ۹ ساله - مرکز فرهنگی هنری شماره یک ساری



بنیامین محمدی ۱۵ ساله - مرکز فرهنگی هنری آمل



سیده دلآرام حسینی ۱۱ ساله - مرکز فرهنگی هنری آمل



ستایش استرانه  
۱۳ ساله  
مرکز فرهنگی هنری نور



فاطمہ زہرا شکر اللہ - ۱۱ سالہ - مرکز فرهنگی هنری  
محمود آباد



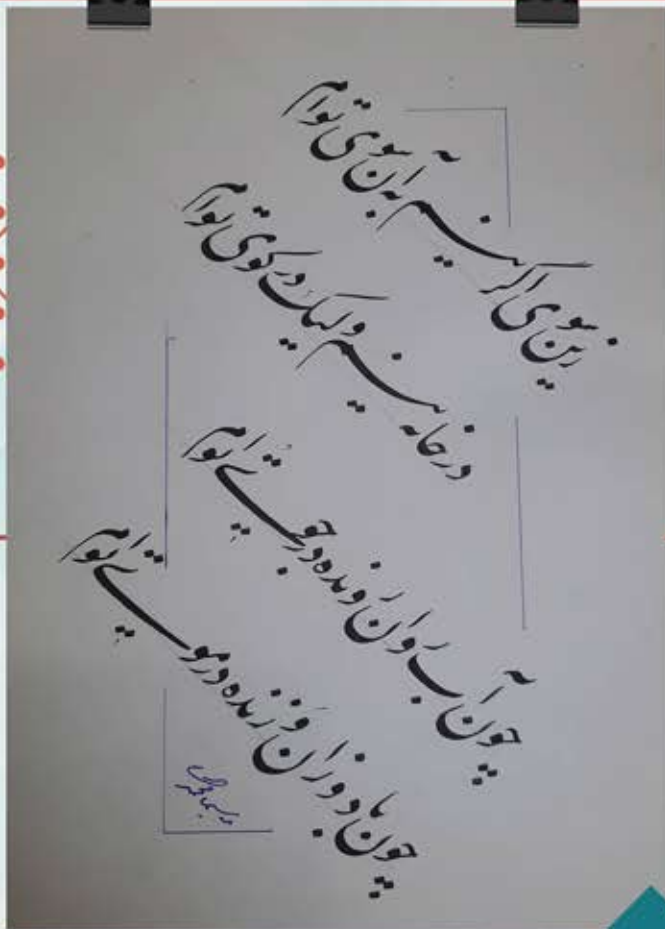
عسل کمالی ۸ سالہ - مرکز فرهنگی هنری محمود آباد



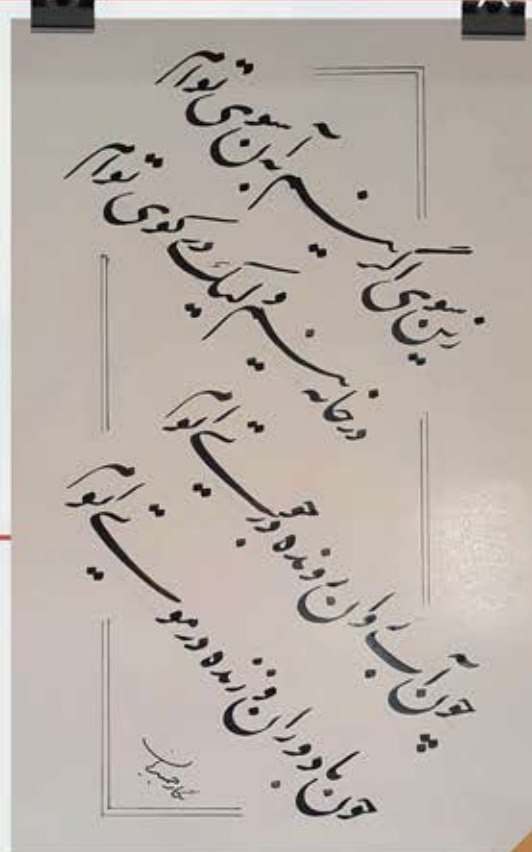
فاطمہ حسینی ۱۲ سالہ - مرکز فرهنگی هنری نکا



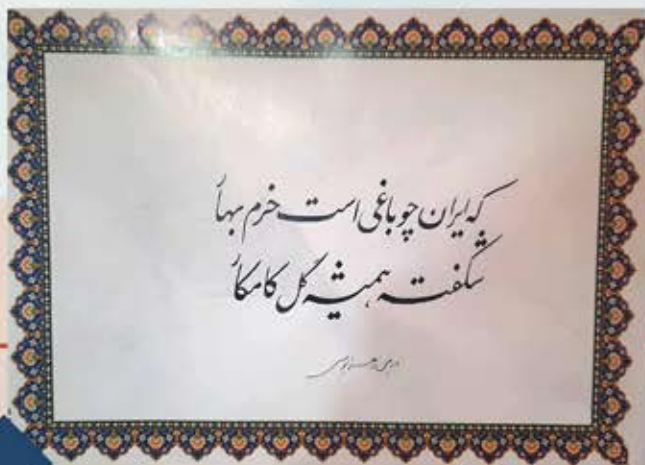
ہانا باقاری ۹ سالہ - مرکز فرهنگی هنری پل سفید



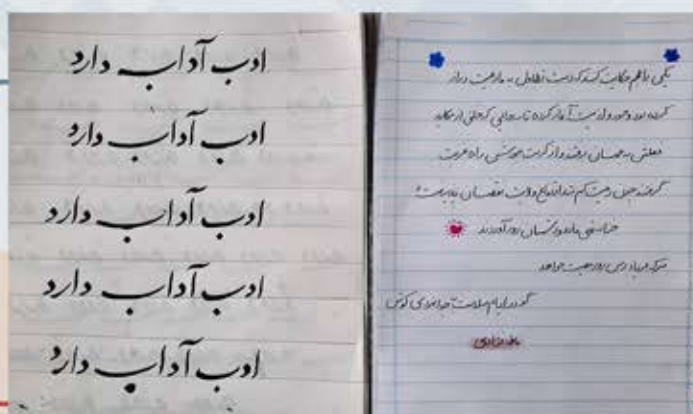
مه سیما محمدی - ۱۸ ساله - مرکز فرهنگی هنری  
قلمشهر



نگار حمیدیان ۱۶ ساله - مرکز فرهنگی هنری  
قلمشهر



نازنین زهرا ایونسی ۱۵ ساله - مرکز فرهنگی هنری قلمشهر



فاطمه تژادی ۱۰ ساله - مرکز فرهنگی هنری قلمشهر





### اجرای طرح کانون یاران در کانون پرورش فکری مازندران

طرح «کانون یاران» طرحی است که در راستای طرح کانون مدرسه و برای دانش آموزان پایه ششم و مقاطع متوسطه اول و دوم طراحی شده است. در این طرح، یک دانش آموز مستعد در هر مدرسه به عنوان رابط کانون پرورش فکری و مدارس انتخاب می شود و به همراه دیگر دانش آموزان و مدیران مدارس، در فعالیتهای آموزشی مطابق با ۶۴ عنوان تعریف شده توسط کانون شرکت می کند.



### دومین جشنواره استانی قصه های ماندگار در سرخ رود برگزار شد

دومین جشنواره استانی قصه های ماندگار به کوشش این اداره کل و با حمایت شهرداری و شورای اسلامی سرخ رود در سالن ناردون برگزار شد.



### اجرای نمایش آتش سنگ در سینما کانون ساری

همزمان با دهه فجر، نمایش آتش سنگ ویژه گروه سنی کودک، نوجوان و خانواده در سینما کانون ساری به روی صحنه رفت.



### مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مازندران: از برگزاری نزدیک به ۳۰۰ برنامه در سراسر استان به مناسبت ایام دهه فجر خبر داد.



### ایستگاه‌های کانون مازندران در مسیر خدمت به راهپیمایی ۲۲ بهمن

همزمان با راهپیمایی ۲۲ بهمن در استان مازندران، ایستگاه‌های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری مازندران به ارائه خدمات فرهنگی ویژه کودک و نوجوان پرداخت.



### گرامی‌داشت روز فناوری فضایی در امسر و ساری

همزمان با روز فناوری فضایی، دانش بنیان و خودباوری مراکز امسر و شماره سه ساری این مناسبت را گرامی داشتند.



### برپایی برنامه اعتکاف در مراکز فرهنگی هنری کانون مازندران

همزمان با ایام اعتکاف، ویژه برنامه‌های فرهنگی، هنری و ادبی با رویکرد اعتکاف در مراکز فرهنگی هنری کانون مازندران و مشارکت در مساجد برپا شد.



### در یک دوره آموزشی مربیان کانون پرورش فکری مازندران با بازی‌های هدفمند کودک و خانواده آشنا شدند



## شعر کودک با موضوع خدا

فائزه رسکتی

مریی فرهنگی و رابط آفرینش های ادبی مرکز قانمشهر

## آثار هنری



«خدای عزیز»

خدا آن بالا  
من این پایینم  
نمی توانم  
اورا ببینم

خدا بزرگ است  
من کوچولویم  
شبیه نقطه  
پهلوی اویم

باید بگویم  
حرف دلم را  
از همین پایین  
برای خدا:

این نقطه ی دور  
این نقطه ی ریز  
دوستتون دارد  
خدای عزیز

اثر خوشنویسی : علی ای همای رحمت  
شهلا نیکو نیا ، مریی هنری مرکز فرهنگی هنری قانمشهر

محمد متین فلاح پور - ۱۰ ساله  
مرکز فرهنگی هنری بهشهر  
مریی : لیلا غلامی





## کودکی از سرزمین رنج و رسادت

این منم... دختری تنها که در آوار بزرگ شده‌ام. در جنگ و گلوله و میان صدای وحشتناک موشک‌هایی که در آسمان می‌بینم. من و خانواده‌ام حتی پول بسیار کمی داریم. جایی پر از گرد و غبار، جایی که تمامی مردمان اینجا دلشان پر از خون و درد است. اینجا قلب‌ها به تپش می‌افتند. از خودم برایتان بگویم: دختری پر از رنج، پر از سختی و گاهی ناامیدی. دختری که از دنیا و آدمهایش خبری ندارد. اما شجاع هستم. همان اندازه که برای نفس کشیدن آماده‌ام برای پشت سر گذاشتن سختی‌های زندگی هم حاضریم. صحنه‌هایی را که من و خانواده‌ام دیده‌ایم هیچکس نمی‌تواند درک کند. رنج‌های زندگی روی روحیه خودم تأثیر زیادی گذاشته است. اما با تمام این سختی‌ها هیچ وقت به روی خانواده‌ام نیاورده‌ام زیرا آن‌ها غمی بزرگ‌تر از نگرانی برای من دارند. سواد آنچنانی ندارم اما با کمک دختر خاله‌ی بزرگ‌ترم توانسته‌ام که این نامه را به شما برسانم. من از سرزمین شجاعت و آزادی، از غزه برای شما می‌نویسم. ممنون از همدلی شما دوست‌های مهربان من...



اسرا صیادی ۱۱ ساله، مرکز فرهنگی هنری کتالم و ساداتشهر  
مری: مرضیه آقاجان‌کردی

